

باسمه تعالی

گذرگاه مرزی قائم-بوکمال: جایی فراتر از یک مرز

The Transformation of the Iraqi-Syrian Border: From a National to a Regional Frontier



تهیه شده در موسسه کارنگی مرکز خاورمیانه در تاریخ ۲۰۲۰/۰۳/۳۱

ترجمه و بازنویسی در اندیشکده اقتصاد مقاومتی



نکته مهم:

این گزارش تنها ترجمه گزارش اصلی به همراه کمی اصلاحات و افزودن تصاویر را در بر می گیرد. بدیهی است مترجم این گزارش، تمام یا بخشی از گزارش اصلی را قبول ندارد و آن را خلاف واقع می پندارد. اما جهت حفظ امانت در ترجمه، حتی الامکان از تغییر در مفهوم گزارش پرهیز شده است.

تیرماه ۱۳۹۹

فهرست

- سخن مترجم ۱
- چکیده مدیریتی ۳
- معرفی ۵
- از جدایی تا در هم تنیدگی: مروری بر گذرگاه ۷
- تاریخچه و جغرافیای منطقه قائم و بوکمال ۸
- ظهور جهادگرایی افراطی پس از ۲۰۰۳ ۱۲
- تضعیف داعش و ظهور گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران ۱۸
- نظامی شدن منطقه مرزی بوکمال-قائم ۱۹
- پیامدهای منطقه‌ای مرز قائم-بوکمال ۲۵
- نتیجه گیری ۳۴
- درباره نویسندگان و پشتیبانی مالی ۳۶
- منابع و پی‌نوشت‌ها ۳۷

سخن مترجم

گزارش حاضر حاصل پژوهشی تحقیقاتی-میدانی در شبکه تحقیقات محلی X-Border^۱ است. این موسسه جزئی از برنامه بین‌المللی UKaid است که مستقیماً بودجه خود را از دولت بریتانیا دریافت می‌کند. گزارش‌های این موسسه اغلب کشورهای منطقه را در بر می‌گیرد و به دلیل فعالیت‌های میدانی حین تهیه گزارش‌ها، غالباً از اعتبار خوبی نزد اصحاب رسانه و کارشناسان بین‌المللی برخوردار است.

این گزارش با تاکید ویژه بر نقش ایران در گذرگاه قائم-بوکمال، مهمترین نکات خود را در سه بخش تقسیم کرده است؛ ۱. اهمیت بسیار این گذرگاه برای اقتصاد محلی و نقش موثر ساکنان بومی در فعال شدن ظرفیت آن، ۲. حضور نیروهای وابسته به محور مقاومت و تامین امنیت آن در کنار انجام برخی فعالیت‌های مخرب اقتصادی مانند تصاحب زمین‌های کشاورزی منطقه و اخذ مالیات از کامیون‌های عبوری و ۳. احتمال ظهور مجدد گروهک‌های تروریستی با توجه به اختلافات موجود میان شیعیان (نیروهای محور مقاومت) و اهل سنت (ساکنان بومی) در منطقه قائم-بوکمال.

با توجه به اهمیت راهبردی و اقتصادی این گذرگاه، حضور نیروهای محور مقاومت جهت تامین امنیت این گذرگاه و بازگشت آرامش و رونق به تجارت منطقه‌ای مسئله‌ی مهمی است که در این گزارش به حاشیه رانده شده است؛ به‌طوریکه گزارش تاکید می‌کند حضور نیروهای امنیتی مرزی دولتی و گروه‌های مختلف وابسته به ایران از جمله حشدالشعبی عراق (با فرماندهی‌های متفاوت) سبب شده رهبری واحدی بر امنیت منطقه حاکم نباشد و به همین دلیل ساکنان بومی نسبت به امنیت پایدار منطقه خوش‌بین نباشند و از فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در منطقه قائم-بوکمال خودداری کنند.

نقطه قوت این گزارش در بازدیدهای میدانی و تهیه مصاحبه حضوری با ساکنان مناطق قائم و بوکمال است که لاجرم بر اعتبار گزارش می‌افزاید و به اقناع مخاطب کمک می‌کند؛ هرچند جهت دار تهیه شده است. در چنین شرایطی بررسی میدانی و تهیه گزارش مکتوب و تصویری از وضعیت واقعی گذرگاه قائم-بوکمال توسط نیروهای محور مقاومت می‌تواند در هم‌سو کردن افکار عمومی ایران، عراق و سوریه، به‌ویژه ساکنان مناطق مرزی مذکور با هدف افزایش همکاری با نیروهای محور مقاومت بسیار راهگشا باشد.

از سوی دیگر نویسنده‌ی گزارش به این نکته اشاره دارد که ورود مستقیم نیروهای محور مقاومت به مسائل تجاری و اقتصادی سبب شده است که مردم آن مناطق نسبت به آن‌ها بی‌اعتماد شوند. جدا از رد یا پذیرش

^۱ بخش‌هایی از این گزارش پیش از این در سایت خبری mdeast.news به فارسی ترجمه شده بود. متن حاضر شامل ترجمه کامل گزارش اصلی به همراه برخی ویرایش‌های جزئی و اطلاعات تکمیلی است.

چنین ادعایی، حضور مستقیم نیروهای امنیتی و نظامی در مسائل اقتصادی از دو جهت دارای جنبه منفی است؛ اول اینکه گمان حاصل می شود نیروهای امنیتی نه بر حفظ امنیت، بلکه بر تجارت و سود اقتصادی متمرکز شده اند که امکان بازگشت ناامنی به منطقه مرزی را محتمل می سازد، و دوم اینکه حضور نیروهای امنیتی سبب خواهد شد تنها افراد نزدیک به این نیروها اجازه فعالیت اقتصادی در مرز را داشته باشند.

به طور کلی تشکیل و حمایت از توسعه شرکت های مشترک ایرانی، عراقی و سوری در زمینه تجارت، ترانزیت و بیمه در یک نقشه جامع که "اقتصاد محور مقاومت" را در دستور توسعه دارد، یکی از راهکارهای عملی جهت رونق تبادلات تجاری در مرزهای سه کشور و افزایش حضور بخش خصوصی به ویژه با مشارکت فعال ساکنان آن مناطق است. این کار سبب خواهد شد درآمد و رونق اقتصادی مناطق قائم و بوکمال به حفظ امنیت آن گره بخورد و همین موضوع به مهمترین دلیل تامین امنیت مناطق مذکور توسط ساکنان همانجا تبدیل گردد.

این گزارش همچنین با تاکید بر گفتگوهای میدانی خود به دنبال القای این موضوع است که حضور نیروهای مردمی محور مقاومت همسو با خواسته دولت های مرکزی و ساکنان محلی آن مناطق نیست؛ به ویژه آنکه تضادهای فرهنگی و مذهبی میان نیروهای محور مقاومت (عمدتاً شیعه) و ساکنان این مناطق (عمدتاً اهل سنت) نیز خطر ظهور گروهک هایی مشابه داعش را دوچندان می کند. از طرف دیگر بیان می کند که حضور محور مقاومت در این مناطق جهت بهره برداری های اقتصادی و بازرگانی است و تامین امنیت تنها پوششی برای اینگونه فعالیت ها است. گزارش در نهایت پیش بینی می کند ترور فرماندهان اصلی ایران و حشد الشعبی یک خلأ در ساختار رهبری گروه های شبه نظامی وابسته به محور مقاومت ایجاد کرده است که اگر بدنه جدید فرماندهی محور مقاومت نتواند قدرت کنترل ایران را بازگرداند، جهت دهی گروه های شبه نظامی به مرور زمان تضعیف خواهد شد، چندانگی بازیگران فعال در قائم-بوکمال شکل گیری مجدد ساختار قدرت را به تاخیر انداخته و عدم قطعیت و بی ثباتی قابل توجهی را به مرزهای عراق و سوریه تزریق خواهد کرد.

چکیده مدیریتی

این گزارش با نگاهی تاریخی به منطقه مرزی قائم-بوکمال به مسائلی از جمله فاصله اندک جغرافیایی بین روستاهای دو منطقه (تنها ۷ کیلومتر) و تشابه و ارتباطات فرهنگی-مذهبی مردمان ساکن در این مناطق می‌پردازد و اذعان دارد تا پیش از مرزبندی‌های رسمی جغرافیایی در دولت‌های بعث عراق و سوریه ساکنان این مناطق عملاً در کنار یکدیگر زیست می‌کرده‌اند.

نویسنده سپس با اتکا به مصاحبه‌های میدانی، از عشیره‌های بزرگ دو طرف مرز نام می‌برد و نقش عشیره‌ها در همراهی با دولت‌های مرکزی، همکاری با گروهک‌های تروریستی و تامین امنیت محلی را برمی‌شمارد؛ به عنوان مثال می‌توان به همراهی ساکنان منطقه در صنعتی سازی منطقه قائم و توسعه کشاورزی در منطقه بوکمال، همراهی برخی اعضای عشیره کربولی با القاعده عراق (۲۰۰۳)، تشکیل ائتلاف عشیره بومحل با آمریکا جهت مبارزه با القاعده، وجود برخی ساکنان بوکمال در رده‌های بالای گروهک داعش (۲۰۱۴)، تامین امنیت منطقه در مقابل داعش (گردان حمزه از عشیره بومحل و گردان فرات از عشیره کربولی) اشاره نمود.

در ادامه نویسنده از شبه‌نظامیان محور مقاومت که امنیت آن منطقه را در دست گرفته‌اند نیز نام می‌برد (کتاب حزب الله، کتاب الامام علی، سرایا الخراسانی، لواء المنتظر، کتاب انصار الحجت و...) و اشاره دارد که ساکنان منطقه به‌ویژه در منطقه قائم عراق احساس بهتری نسبت به تیپ لواء الطفوف (وابسته به مرجعیت عراق و غیرهمسو با ایران) دارند؛ به طوریکه شکایت‌های خود از سایر شبه‌نظامیان را به فرماندهان این تیپ ارجاع می‌دهند.

همچنین نویسنده از تصاحب زمین‌های کشاورزی منطقه توسط کتاب حزب الله و تبدیل آن به پادگان آموزشی و فعالیت‌هایی در زمینه قاچاق سوخت توسط شبه‌نظامیان نیز خبر می‌دهد و ادعا دارد شبه‌نظامیان حاضر در منطقه از قدرت و استقلال بالایی برخوردار هستند و در امور امنیتی، اقتصادی و حکومتی دخالت می‌کنند. همچنین به نقل از ساکنان این مناطق نوشته است که به ازای هر کامیون عبوری حامل سنگ آهک معادن عکاشات از مرز، شبه‌نظامیان وابسته به ایران مبلغ ۲ هزار دلار مالیات از رانندگان دریافت می‌کنند.

نویسندگان در ادامه با تاکید بر ضعف دولت مرکزی در این مناطق، قدرت بالای عشیره‌ها و استقلال عملیاتی شبه‌نظامیان، به نقل از ساکنان محلی می‌نویسد که به دلیل عدم وجود قانون و ساختاری یکسان بین شبه‌نظامیان، مردم منطقه توانایی تعامل با آن‌ها از دست داده‌اند و ترجیح می‌دهند در خارج از منطقه و استان به فعالیت‌های اقتصادی و مالی بپردازند.

این گزارش در ادامه خاطرنشان می‌کند وجود نظام امنیتی دوگانه در منطقه مرزی با قرارگیری نیروهای امنیتی دولتی در کنار شبه نظامیان، یک وضعیت ناپایدار ذاتی ایجاد کرده است. از طرف دیگر هسته‌های خاموش داعش و افراطیان مذهبی کماکان در منطقه حضور دارند که این دو عامل سبب می‌شود ترس از ظهور مجدد داعش منطقی به نظر برسد.

گزارش با تاکید خاص بر نقش ایران در منطقه قائم-بوکمال اهداف ایران را چنین برمی‌شمارد:

- جلوگیری از ظهور مجدد داعش
 - ایجاد گذرگاه زمینی ایران-عراق-سوریه-لبنان و کنترل و پایش محوله‌ها و مردم در مرز
 - جلوگیری از تحرکات آمریکا و همپیمانان منطقه‌ای او در مناطق مرزی و سنی‌نشین علیه ایران
 - تقویت نظامی حزب الله در لبنان و استقرار نیروهای ایرانی در سوریه و لبنان جهت مقابله با اسرائیل
- البته گزارش به حضور هزاران نیروی آمریکایی در منطقه نیز اشاره می‌کند و آن را از جمله نگرانی‌های اصلی ایران و متحدانش می‌داند. این گزارش اتفاقاتی همچون حملات آمریکا به مرز قائم-بوکمال، حملات متقابل نیروهای حشد، حمله به سفارت آمریکا در بغداد، حمله هوایی به شهیدان سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و همراهان آنان و در نهایت حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکایی را سلسله وقایع مخاطره‌آمیزی می‌داند که می‌تواند این کشورها را تا آستانه جنگ پیش ببرد.
- در انتها گزارش با بازخوانی مزایای اقتصادی-تجاری مرز قائم-بوکمال، ایران و گروه‌های همسو با محور مقاومت را متهم می‌کند که با توجه به بسته بودن سایر گذرگاه‌ها تنها شرکت‌های وابسته به آنان (عمدتا لبنانی، عراقی و سوری) اجازه خواهند داشت به فعالیت‌های بازرگانی بپردازند. با این حال اعتراف می‌کند که بازگشایی مجدد گذرگاه مرزی جدا از سیاست‌گذاری‌های کلی، به اقتصاد محلی و اشتغال‌زایی جوانان بیکار منطقه کمک کرده است. همچنین وجود منابع گسترده طبیعی از جمله نفت، گاز، فسفر و گوگرد را در ادامه حضور ایران بی‌تاثیر نمی‌داند.

معرفی

منطقه مرزی بین شهر بوکمال در سوریه و قائم در عراق در نزدیک به دو دهه گذشته به یک منطقه به شدت نظامی و بی ثبات در قلب خاورمیانه و اساساً به کانون رقابتی ژئوپولیتیک و منطقه‌ای با حضور مضاعف گروه‌های شبه نظامی تحت حمایت ایران، حملات هوایی اسرائیلی و ایالات متحده و حملات هواپیماهای بدون سرنشین تبدیل شده است.

این منطقه از دیرباز یکی از گذرگاه‌های شبه نظامیان جهادگرا بوده است. این منطقه مرزی پس از حمله تحت رهبری ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ به محل اصلی ورود جهادگرایان از سوریه به عراق تبدیل شد و پس از آغاز ناآرامی‌های سوریه در سال ۲۰۱۱ با برعکس شدن جریان رفت و آمدها، هجوم جنگجویان و جهادگرایان از عراق به سوریه را شاهد بود. هر دو منطقه مرزی بوکمال و قائم در تابستان ۲۰۱۴ تحت اشغال خلیفه خودخوانده داعش درآمدند و منطقه به یکی از مقرهای اصلی این گروه تروریستی تبدیل گشت. داعش با هدف تشکیل یک کشور بزرگ در سرزمین شام (با مرزهای سوریه و عراق)، با تشکیل منطقه موسوم به فرات (ولایت الفرات)، دو منطقه بوکمال و قائم را ادغام کرد و مرزهای جداکننده دو کشور با سابقه‌ای نزدیک به ۱۰۰ سال را برداشت.

مجموعه‌ای از عوامل در افزایش اهمیت این منطقه مرزی موثر بوده اند:

- اول اینکه قائم و بوکمال یک مسیر استراتژیک بین دمشق و بغداد به شمار می‌رود و با توجه به فاصله اندک بین این دو منطقه (تنها حدود ۷ کیلومتر)، پرجمعیت‌ترین مناطق در هر دو سوی مرز حساب می‌شوند. تشابه و ارتباط بین این دو جامعه که اکثریت جمعیت آنها را **عرب‌های اهل سنت** تشکیل داده‌اند و روابط قومی-قبیله‌ای و خانوادگی که در دو سوی مرز برقرار است، این منطقه را در معرض ظهور احساس همبستگی **پان‌سنی و پان‌عربی** قرار داده است.
- دوم اینکه منطقه بوکمال-قائم در نزدیکی رود فرات قرار دارد و زمین‌های کشاورزی اطراف آنها حاصلخیزترین زمین‌ها در نزدیکی مرز به شمار می‌روند و زنجیره تامین مواد غذایی خودکفا و مسیرهای پنهانی برای شبکه‌های متشکل از بازیگران غیردولتی از جمله شورشی‌ها و قاچاقچیان در عبور از مرز را فراهم می‌آورد.
- سوم اینکه این منطقه اخیراً به مکان اصلی استقرار گروه‌های تحت حمایت ایران در هر دو سوی مرز و در منطقه‌ای است که بازیگران غیردولتی سوری و عراقی دیگری هم در آن حضور دارند. این

استقرارها منطقه مرزی را به یک فضای تاثیرگذار تبدیل کرده که در آن، ایران سعی دارد یک مسیر زمینی از مرزهای خود با عراق تا دریای مدیترانه را ایمن کند. این در حالی است که مقامات محلی سوری و عراقی تمایل دارند از نفوذ ایران به عنوان «شرایط لازم برای مدیریت مرز و تامین امنیت برای تغییرات» استفاده و حتی در صورت لزوم خود را با رویکرد آن «هماهنگ» کنند.

سوریه و عراق اول اکتبر ۲۰۱۹ و در پی شکست حکومت خودخوانده داعش، گذرگاه مرزی بوکمال-قائم را بازگشایی کردند تا تدابیر عادی سازی شرایط، اعمال قانون و توسعه تجارت فرامرزی را احیا کنند. این اتفاق بر اهمیت اهمیت گذرگاه افزود؛ چرا که دو گذرگاه دیگر در مرز سوریه و عراق هنوز بسته هستند. نیروهای ایالات متحده دسترسی دولت سوریه تنف-ولید را مسدود کرده‌اند و نیروهای دموکراتیک سوریه، ائتلاف نیروهای شبه نظامی تحت فرمان یگان‌های مدافع خلق (گروه شبه نظامی کرد)، مانع از دسترسی دولت سوریه به گذرگاه ربیعہ-یعربیہ شده‌اند.

با این حال، شرایط موجود در منطقه خیلی پیچیده‌تر از اینهاست. شرایط جدیدی از قدرت و مدیریت مرزی پدید آمده که از شاخصه‌های آن می‌توان به مناسبات امنیتی جاری و دوگانه در میان کشورهای گوناگون و بازیگران غیردولتی و نیروهای در جستجوی خودمختاری در امتداد مرز قائم-بوکمال اشاره کرد. این شرایط امکان اعمال نفوذ بیشتر در سوریه و لبنان را برای ایران و یک فضای رفت و آمد برای گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت این کشور فراهم می‌آورد. با افزایش دشمنی‌ها میان ایران از یک سو، و ایالات متحده و اسرائیل از سوی دیگر، بر ساختارهای قدرت در امتداد مرز تاثیر گذاشته و در عین حال، ضعف مقامات دولت‌های مرکزی و رقابت در میان گروه‌های محلی و قبیله‌ای شرایط را پیچیده‌تر کرده است.

در نتیجه، منطقه مرزی به شدت نظامی شده و اکنون یک مسیر پنهانی برای رفت و آمدهای ائتلاف‌های شبه نظامی تحت حمایت ایران به دلایل سیاسی، نظامی و اقتصادی به شمار می‌رود. گذرگاه بوکمال-قائم به جای اینکه صرفاً یک مسیر عبور و مرور بین دو کشور مستقل باشد، بیشتر به عنوان کانون مقاماتی از تهران، بغداد و دمشق عمل می‌کند. حتی پس از شکست داعش هم حضور بازیگران فراملی مرتبط با تهران همچنان بر شرایط در گذرگاه احیا شده سایه می‌اندازد.

از جدایی تا در هم تنیدگی: مروری بر گذرگاه

برای درک چگونگی رخ دادن این وضعیت، باید چندسالی به عقب بازگشت. منطقه مرزی بین سوریه و عراق در حوالی قائم و بوکمال در چند دهه گذشته به دلیل قطع روابط دیپلماتیک و تجارت مرزی، راکد بود. عراق و سوریه که در آن زمان تحت کنترل شاخه‌های رقیب از حزب بعث بودند، به ندرت با یکدیگر چشم در چشم می‌شدند. اوضاع امور در اواخر دهه ۱۹۹۰، هنگامی که دو کشور روابط تجاری و جابه‌جایی‌های مردم در مرز را از سر گرفتند، شروع به تغییر کرد. آنگاه، حمله تحت رهبری آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ مرحله جدیدی را در منطقه رقم زد و به احیای فعالیت‌های غیرقانونی منجر شد، چرا که جهادگرایان شروع به عبور و مرور از مرزها کردند. سال‌های درگیری در عراق و پس از آن هم، جنگ داخلی طولانی و مداوم در سوریه از سال ۲۰۱۱، دو طرف این مرز را به شدت پیچیده کرد که این پیچیدگی‌ها تا امروز ادامه یافته است.



مرز عراق و سوریه

تاریخچه و جغرافیای منطقه قائم و بوکمال

مرز بین قائم و بوکمال در سال ۱۹۲۰ و در پی درگیری‌ها بین نیروهای عرب و رمضان شلاش (افسر نظامی سوری و فردی قابل توجه در دیرالزور که برای مدت کوتاهی قائم را تحت کنترل داشت) و نیروهای بریتانیایی (که منطقه را پس از خروج نیروهای ترک، اشغال کرده بودند) برقرار شد.^[۱]



رمضان شلاش در کنار هنری دو جوونل، کمیسر عالی فرانسه در سوریه و لبنان

به نظر می‌رسد که خط مرزی اولیه کاملاً به طور اتفاقی کشیده شد، اگرچه دولت بریتانیا این مساله را با توضیح اینکه منطقه قائم، شرقی‌ترین نقطه در سرزمین‌های الدلیم (بزرگ‌ترین کنفدراسیون قبایلی در غرب عراق) است، توجیه کرد ^[۲]. علی‌السلیمان، رئیس الدلیم در دهه ۱۹۲۰، در همراهی و همکاری با نیروهای بریتانیا خیلی سریع بر قبایل شورشی مرزی همچون بومحال که بخشی از کنفدراسیون الدلیم بود، اعمال قدرت کرد ^[۳].

این، آغاز دوره جدایی قائم و بوکمال از یکدیگر و ورود آن‌ها در ساختارهای دولتی عراق و سوریه بود. با اینکه عراق و سوریه بعدتر بر سر دیگر بخش‌های مرزی مناقشه داشتند، اما مرز قائم بوکمال چندان دچار تغییر نشد. مذاکرات بین دولت بریتانیا و دمشق در سال ۱۹۲۰ منجر به توافق موقتی شد بر اساس آن بوکمال در مرزهای سرزمینی سوریه و قائم در مرزهای سرزمینی عراق واقع شدند. جامعه ملل (که بعدها سازمان ملل جایگزین آن شد)، نیز مرز بین سوریه و عراق را در سال ۱۹۳۲ به طور رسمی تایید کرد ^[۴].

فاصله بین حومه بوکمال و حومه قائم حدود ۷ کیلومتر است. در طرف سوری، بوکمال در شرقی‌ترین بخش کشور و در فاصله حدوداً ۵۰۰ کیلومتری از دمشق، پایتخت سوریه، واقع است. در طرف عراقی نیز قائم، در غربی‌ترین گوشه استان انبار عراق و در فاصله ۴۰۰ کیلومتری از بغداد، در جایی قرار دارد که رود فرات از

سرزمین‌های عراقی وارد سرزمین‌های سوریه می‌شود. قائم تا حدود ۲۶ کیلومتری در امتداد جنوبی رود ادامه دارد. در سوریه، فرات منطقه را به دو منطقه فرعی تقسیم می‌کند. در حال حاضر طرف غربی شامیه خوانده می‌شود و دولت سوریه و گروه‌های شبه نظامی تحت حمایت ایران کنترل آن را در دست دارند. طرف شرقی که جزیره خوانده می‌شود، تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) است.

جمعیت قائم حدود ۱۹۰ هزار نفر برآورد شده [۵] که همانند بوکمال، بیشتر آنها اعراب سنی هستند. در مرکز این منطقه شهر *القائم* (با نام‌های دیگر *حصیة* یا *حصیة الغربیة*) وجود دارد که در نزدیکی مرز سوریه است. در شرق آن ناحیه *الکرابله* و *العبدی* و در طرف شمالی رود فرات ناحیه‌ای مسکونی به نام *الرمانه* قرار دارد که آن هم در مجاورت مرز سوریه است که در واقع منطقه قائم را از استان نینوی عراق جدا می‌کند. همچنین در این منطقه روستای *الباعوز* نیز قابل توجه است. این روستا در مرزهای سوریه، در سال ۲۰۱۹ آخرین سرزمین‌های اشغالی توسط حکومت خودخوانده داعش بود [۶].



منطقه القائم در مرز عراق و سوریه

منطقه قائم در دو سوی فرات بیش از ۵۰ روستا را شامل می‌شود. [۷] از جمله گروه‌های قبایلی (عشیره) قابل توجه در این منطقه، *بومحل* (یکی از بزرگترین قبیله‌های قائم و ساکن در نقاط مرزی و مرز منطقه)، *کریولی* (ساکن در *الکرابله* و نقاط مجاور) و قبایل کوچک‌تر همچون *سلمان*، *عبد* و *الراویین* هستند. قبایل و خانواده‌هایی که در قائم-بوکمال و مناطق مجاور ساکن هستند، اکثراً روابط خویشاوندی محکمی دارند. این خانواده‌ها شامل قبیله‌های *جغیف* یا *الجغایفة*، *العقیدات*، *ماروشة*، *بومحل*، *الراویین*، *العبد*، *المشاهدة*، *البو بدران*، *شیتاؤت*، *حسون* و *العنیین* است [۸].

جالب توجه است که به گفته «صباح المحاوی» شیخ عشیره بو محل، یکی از برادران وی متولد و ساکن در آن طرف مرزها در سوریه است. بیشتر ساکنان این مناطق به کشاورزی اشتغال دارند. همچنین پیش از

تبدیل شدن سوریه و عراق به کشورهای امروزی، هر دوی این مناطق از نظر بازرگانی به استان دیرالزور سوریه مرتبط بودند و در مسیر کاروانی حلب تا بغداد دولت عثمانی در قرن نوزدهم قرار داشتند [۹].



صباح المحاوی، شیخ عشیره بو محل



بیرق عشیره بو محل

اگرچه روابط اجتماعی و اقتصادی در دو سوی مرز پس از شکل گیری دولت‌های مدرن عراق و سوریه کاملاً متوقف نشدند، اما این مبادلات به طور قابل توجهی کاهش یافتند. از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۳، دولت‌های رقیب بعث در سوریه و عراق قدرت داشتند. هر دو این حکومت‌ها، مرزبندی دقیق سیاسی را به این مناطق حاشیه‌ای تحمیل می‌کردند. در نتیجه این سختگیری‌ها، و حضور گسترده نظامی، امنیتی و سیاسی دولت‌های سوریه و عراق در حوالی بوکمال و قائم، گذرگاه‌های غیرمجاز و تجارت غیرقانونی کاهش یافت. البته در همان ایام برخی از افراد محلی و گروه‌های قبیله‌ای همچنان به رفت و آمد از مرزهای غیرمجاز ادامه می‌دادند و دولت‌های مرکزی نیز همیشه علاقه‌ای به مبارزه با چنین فعالیت‌هایی نداشتند، اما به دنبال مهار و نظارت بر آن‌ها بودند. به عنوان مثال در نامه‌های اداری بین شعب استانی حزب بعث عراق در استان‌های انبار و نینوا و فرماندهی منطقه‌ای در بغداد اطلاعات مربوط به فعالیت‌های قاچاق از جمله سیگار و گوسفند در مرزهای عراق و سوریه در دهه ۱۹۹۰ قرار دارد [۱۰].

با ورود بیشتر قائم و بوکمال در ساختارهای متمرکز هر یک از دولت‌های عراق و سوریه و سازماندهی فرایندهای اقتصادی حاکم، ارزش تجارت غیرقانونی مرزی هم کاهش یافت و فعالیت‌های جدید اقتصادی جای آن‌ها را گرفت.

در عراق، دولت یک مجتمع صنعتی بزرگ در بخش شرقی قائم (۱۶ کیلومتری حصیبه و ۲۵ کیلومتری مرز

عراق و سوریه) راه‌اندازی کرد که یک کارخانه بزرگ سیمان و یک شرکت فرآوری فسفات را شامل می‌شد. این ۲ شرکت حدود ۵ هزار نیروی کار با پیشینه‌های مختلف قبیله‌ای و مذهبی را در خود جا داده بود. دولت عراق همچنین یک سامانه ریلی و شبکه بزرگراه ایجاد کرد که گذرگاه‌های مرزی در غرب انبار را به مناطق مرکزی کشور وصل می‌کرد. همچنین دولت مرکزی با ساخت یک منطقه شهری جدید در العبیدی برای اسکان خانواده پرسنل این شرکت‌ها، سبب تسریع در شهرنشینی و تضعیف روابط قبیله‌ای شد [۱۱].

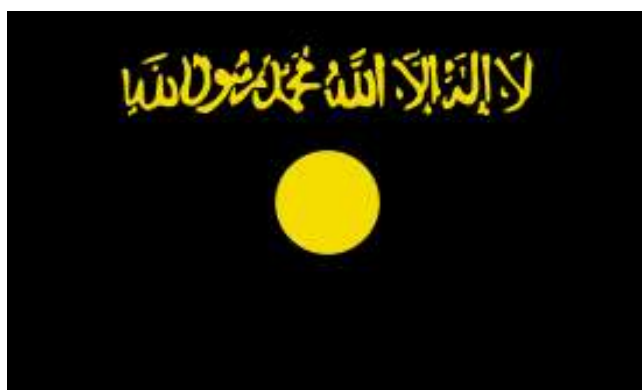
در مقابل، بوکمال در درجه اول یک منطقه کشاورزی به شمار می‌رفت و ساکنان آن عمدتاً در مزرعه مشغول به کار بودند. وزارت زراعت و اصلاحات ارضی سوریه و بانک دولتی تعاون کشاورزی به طور قابل توجهی با ایجاد شعب در منطقه، از کشاورزان محلی حمایت و آن‌ها را به دولت دمشق وابسته کرد. در نتیجه، در سال ۲۰۱۱ که ناآرامی‌های داخلی سوریه آغاز شد و گروه‌های مسلح، نیروها و نهادهای دولتی را بیرون راندند، اقتصاد محلی این مناطق نیز فروپاشید.

در اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۹۰ روابط دیپلماتیک و تجاری بین عراق و سوریه به دلیل خصومت بین دو حکومت بعثی فروپاشید و این مساله مناطق مرزی را دچار رکود کرد و سبب شد مردم محلی در جستجوی فرصت‌های اقتصادی به پایتخت بروند و قائم و بوکمال به بغداد و دمشق وابسته‌تر شوند. با این حال، شرایط در دهه ۱۹۹۰ به دلیل تحریم‌های شدید اقتصادی علیه عراق پس از حمله آن به کویت تغییر کرد و فعالیت‌های غیرقانونی در مرز احیا شد. قاچاق دام، دخانیات، الکل، ابزار الکتریکی، نفت و سوخت از جمله این موارد بود که عمدتاً به دلیل افت ارزش دینار عراق ایجاد شد [۱۲]. اگرچه رژیم صدام سعی می‌کرد برخی از این فعالیت‌ها را متوقف کند، اما شبکه‌های قاچاقی نیز وجود داشتند که توسط اعضای رژیم صدام یا افراد وابسته به آن‌ها حمایت می‌شدند. این شبکه‌ها بعدتر و پس از حمله ایالات متحده به عراق به یک دستگاه موثر برای فعالیت‌های گروه‌های شورشی علیه آمریکا تبدیل شدند [۱۳].

دولت سوریه تا اواخر دهه ۱۹۹۰ به دنبال فرصت‌هایی برای تقویت اقتصاد و ایجاد بازارهای جدید برای صادرات خود و عراق و همچنین راه‌هایی برای کاهش بحران اقتصادی و سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی خود بود. این انگیزه‌ها سبب شد دو کشور در سال ۱۹۹۷ دوباره گذرگاه‌های مرزی را بازگشایی کنند. به این ترتیب روابط تجاری از سر گرفته شد و امکان کنترل رفت و آمد مردم فراهم گردید. در نتیجه، مناطق مرزی مجدداً احیا و برخی از ارتباطات از سر گرفته شدند؛ تنها مشکل این بود که این امر به پیدایش شبکه‌های جهادگرا پس از سال ۲۰۰۳ منجر شد [۱۴].

ظهور جهادگرایی افراطی پس از ۲۰۰۳

پس از سرنگونی رژیم صدام در نتیجه حمله نیروهای ائتلافی تحت رهبری امریکا در سال ۲۰۰۳، موسسات و نهادهای امنیتی در قائم و سایر مناطق مرزی، به طور ناگهانی ناپدید شدند [۱۵]. خلاء به وجود آمده، موجب شکل گیری و پدید آمدن القاعده عراق (با نام تنظیم قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین : سازمان قاعده الجهاد در سرزمین میان دو رود) به رهبری ابو مُصعب الزرقاوی شد. با گذشت زمان، القاعده که بعدها به داعش تبدیل گشت، موفق شد تا با در اختیار گرفتن مزدوران و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان منطقه، پس از سرنگونی رژیم صدام، در تار و پود اجتماعی منطقه نفوذ کند. یکی از اولین عملیات‌ها علیه نیروهای آمریکایی در عراق در نزدیکی قائم در ماه مه ۲۰۰۳ انجام شد که توسط یکی از اعضای قبیله کربولی به اجرا درآمد [۱۶].



پرچم القاعده عراق



ابو مُصعب الزرقاوی

قائم و به طور کلی مرزهای عراق و سوریه، به دو دلیل به یک دژ برای جهادگرایان افراطی تبدیل شدند. دلیل اول، حاصلخیزی منطقه بود که به جنگجویان اجازه می داد تا در تامین منابع غذایی خودکفا شوند. دلیل دوم، امتداد پهناور صحرا در همه جهات بود که به شبکه های جهادی اجازه می داد تا در عین نزدیکی به مراکز شهری، در مناطق بدون جمعیت پخش شده و مانور و تمرینات نظامی انجام دهند.

پس از سال ۲۰۰۳، تروریست های خارجی به منظور ملحق شدن به القاعده، از مسیرهای قاچاق استفاده می کردند تا از مرز سوریه عبور کنند. بنابر ادعای یک عضو سابق «شورای استانی انبار»، بوکمال به یکی از نقاط کلیدی برای جهادگرایان افراطی تبدیل شد؛ آنها پیش از حرکت به سوی عراق، در آنجا جمع می شدند. [۱۷] بنابر گزارش ها، بسیاری از تروریست ها در منطقه بوکمال آموزش دیده بودند. [۱۸] شواهد و اسناد ضبط شده از القاعده در عراق حاکی از آن است که برخی عناصر در سوریه حرکت جهادگرایان افراطی از خاک این کشور به عراق را (بدون توجه به اینکه آمریکا همین موضوع را بهانه ایجاد بی ثباتی در سوریه خواهد کرد)، تسهیل کرده اند. [۱۹] آمریکا هم در واکنش به این مساله، در اولین عملیات نظامی در سوریه

پس از حمله به عراق در سال ۲۰۰۸ جنگجویان جهادگرای افراطی در این مناطق را هدف حمله هوایی قرار داد [۲۰].

ارتش ایالات متحده در سال ۲۰۰۵ با نیروهای قبیله‌ای محلی، به ویژه قبیله بومحل، تشکیل اتحاد داد تا با گروهک القاعده در قائم عراق بجنگد [۲۱]. این شروع چیزی بود که بعدها به نام عملیات بیداری انبار^۱ شناخته شد؛ عملیاتی که هدف آن از کار انداختن نیروهای جهادگرای افراطی و بازیابی سطح قابل توجهی از پایداری منطقه بود. مرزبانان عراقی نیز در سال ۲۰۰۶ شروع به انجام فعالیت در گذرگاه‌های مرزی انبار کردند؛ اگرچه حضور آنها ظاهری بود و ارتش ایالات متحده و شبه نظامیان محلی کنترل منطقه را در اختیار داشتند.

خروج نیروهای آمریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ و شروع ناآرامی‌های داخلی در سوریه، فرصت جدیدی را برای جهادگرایان افراطی مهیا کرد تا جانی تازه به گروهک خود ببخشند. بسیاری از جنگجویان، از خلاء پدیدار شده در هر دو سوی مرز بهره بردند و در نهایت در گروهک تروریستی داعش ادغام شدند.



پرچم داعش

پس از ناآرامی‌های سوریه و به منظور تسهیل حرکت جنگجویان در امتداد مرز، برخی از شبکه‌های قاچاق موجود که در اواخر دهه ۹۰ میلادی ایجاد شده بودند، دوباره احیا شدند. یکی از آن شبکه‌ها به وسیله صدام الجمل، یکی از ساکنان بوکمال که بعدها به فرد مهمی در داعش تبدیل گشت، رهبری می شد. در حقیقت، الجمل فعالیت قاچاق خود در طول مرز عراق و سوریه را از سال ۱۹۹۸ شروع کرد و تا سال ۲۰۱۰ به آن ادامه داد. الجمل پس از شروع ناآرامی‌ها در سوریه و پیش از تأسیس گروه شورشی خود در بوکمال سعی کرد تا از تجربه خود در راستای تسهیل حرکت جهادگرایان افراطی، شورشیان و انتقال اسلحه بهره گیرد. بعدها، او به داعش پیوست تا با «جبهه النصره»، گروه جهادی رقیب که به دنبال در اختیار گرفتن بوکمال

¹ An Awakening in Al Qaim

بود، مقابله کند [۲۲].



صدام عمر حسين الجمل

در اوایل سال ۲۰۱۳ دولت بشار اسد در سوریه کنترل بخش اعظم استان دیر الزور را از دست داد و این مساله به شکل گیری گروه های مسلح محلی انجامید. برخی از آنها صرفاً از مرزهای محدوده خود دفاع می کردند و برخی دیگر در عملیات مرزی علیه دولت اسد مشارکت می کردند. این گروه ها به شیوه های گوناگون به نیروهای ارتش آزاد یا سازمان های جهادگرای افراطی از جمله جبهه النصره پیوند خوردند. در ژوئیه ۲۰۱۴، داعش بوکمال را تصرف [۲۳] و در ادامه و پیش از تصاحب سایر مناطق سنی نشین عراق از جمله قائم، در ژوئن ۲۰۱۴ شهر موصل را اشغال کرد و کنترل خود بر مرز عراق و سوریه را گسترش داد.

داعش ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرد که در نوار وسیعی از قلمرو خود در شرق سوریه و غرب عراق، یک خلافت تشکیل داده است. داعش ادعا کرد آنچه را که تحت عنوان مرز «سایکس-پیکو» بین سوریه و عراق قلمداد

می شد، از میان برداشته است. با اینکه توافقنامه ۱۹۱۶ بریتانیا و فرانسه برای مدت زمان طولانی یک نقطه تاریک در سیاست های خاورمیانه به شمار می رفت، مرز بین عراق و سوریه در آن هرگز تعریف نشده بود [۲۴]. با این حال مساله مهم این بود که داعش قصد داشت خلافت خودخوانده خود را از طریق تشکیل منطقه ولایت فرات شامل قلمروهای میان آنان در استان انبار در غرب و میادین در شرق سوریه، به واقعیت تبدیل سازد. این محدوده که قائم و بوکمال را نیز شامل می شد، به کانون منطقه تبدیل گشت و داعش را بر آن داشت تا نظام جایگزینی را ایجاد کرده و مناطق مرزی را به یک کانون توجه جدید در خلافت خودخوانده اش تبدیل کند.



موقعیت ولایت الفرات



موقعیت ولایت الفرات



ورودی شهر بوکمال سوریه در ولایت الفرات



خروجی ولایت الفرات

تروریست های خارجی و خانواده های شان شروع به حرکت به سوی منطقه ولایت فرات داعش کردند و این

گروه به آن‌ها کمک کرد تا در خانه‌های مردمی که از قائم و بوکمال گریخته بودند، ساکن شوند. داعش در قائم، امام جماعت‌های خارجی را در مساجد گمارد [۲۵] و ابو آئس السامرائی، نفر دوم داعش و سرکرده آن پس از البغدادی، نیز در ابتدا به عنوان والی منطقه ولایت فرات انتخاب شده بود [۲۶].

ارتباط بین دو منطقه پس از شروع ناآرامی‌ها در سوریه و زمانی که خانواده‌ها در بوکمال به کمک اقوامشان در آن سوی مرز، شروع به سکونت در قائم کرده بودند، عمیق‌تر شده بود. در همین حال، مشاهده عراقی‌ها در بوکمال و منطقه میادین سوریه به امری عادی تبدیل گشته بود و برخی از آن‌ها حتی در خلافت داعش جایگاه و مقامی به دست آورده بودند [۲۷]. بعدها، در پی اخراج داعش از رقه در سوریه و نینوا و قائم در عراق، طرف سوری مرز اهمیت بیشتری برای داعش پیدا کرد. در پی این تمرکز قدرت، بخش‌هایی از مرز به آخرین پناهگاه داعش (از جمله روستای الباغوز) تبدیل شد.

ساکنان قائم و بوکمال در بیش از ۳ سالی که این دو منطقه تحت اشغال داعش بود، می‌توانستند برای انجام مبادلات محدود یا مراجعه به دکتر، بدون نیاز به گذرنامه یا ویزا از مرز عبور کنند [۲۸]. طبق گفته برخی از ساکنان، آنها هر چند وقت یکبار از قائم به بوکمال یا دیر الزور سفر می‌کردند تا داروهای خود را بگیرند، امور شخصی خود را انجام دهند و یا محصولات محلی ساده را از سوری‌هایی که به آنجا سفر کرده بودند، خریداری و با آنها داد و ستد کنند. در طول این مدت، داعش مبادلات سوخت در مرز را در اختیار داشت و با استفاده از فناوری ابتدایی اقدام به استخراج، پالایش و فروش نفت و گاز در عراق و سوریه کرد [۲۹].

با این حال، این شرایط موجب نشد تا برداشت ساکنان عراقی از هویت ملی‌شان تغییر کند و یا موانع روانی میان آن‌ها و ساکنان سوری مرز به طول کامل از بین برود. به گفته یکی از ساکنان القائم عراق، مردم محلی همچنان مردم سوریه را به عنوان «دیگران» تلقی می‌کردند و ارتباط روزانه با مردم سوریه احساس متفاوت بودن از آن‌ها را به‌ویژه از نظر عادات اجتماعی و معاملات اقتصادی تقویت میکرد [۳۰]. در هر حال هویت بیشتر جمعیت این مناطق مرزی در یک قرن گذشته تحت تاثیر کشورهای جداگانه عراق و سوریه و چندین دهه سیاست‌گذاری‌های ساختاری دولت مرکزی درباره آن‌ها شکل گرفته است. (برای نمونه، خانواده‌ای از بوکمال صاحب زمین در هر دو سوی مرز بین بوکمال و قائم بود. در دهه ۱۹۷۰ میلادی که مرز بسته شد، این خانواده کنترل خود روی زمین‌هایش را از دست داد و از خویشاوندان عراقی خود خواست تا مراقب اموالش باشند و درصدی از درآمد حاصل را برایش بفرستند. در میانه دهه ۹۰ میلادی، خانواده عراقی از آن پول خودداری کردند. خانواده سوری آن زمان بود که اقوام خود در آن سوی مرز در عراق را به چشم مردم آن کشور و نه قوم و خویش خود، شناختند. زمانی که داعش کنترل منطقه را به دست گرفت، این

خانواده برای تنظیم شکایت و بازپس‌گیری کنترل زمین خود، به آن‌ها مراجعه کرد. قاضی شرعی که یک عربستانی با اطلاعات اندک از وضعیت موجود بود، در حل این مساله ناکام ماند. اکنون که مرزهای کشوری دوباره ایجاد شده و داعش از هم‌پا شیده است، خانواده سوری باور دارد که عراقی‌ها زمین او را دزدیده‌اند. [\[۳۱\]](#)

یک ساکن قائم می‌گوید برای مردم محلی، کنار آمدن با سوری‌ها به دلیل عادت‌های متفاوت و گرایش آن‌ها به «تمرکز روی سود، بدون در نظر گرفتن عرف‌های اجتماعی» بسیار دشوار است [\[۳۲\]](#). از سوی دیگر، زمان خلافت داعش نسبتاً کوتاه بود و بنابر اظهارات شهردار قائم، حدود ۴۰ درصد از ساکنان این شهر در مقاطع زمانی مختلف از درگیری‌ها به سمت مرزها گریختند [\[۳۳\]](#). جنگ‌های داخلی بی‌پایان و نبود یک نظام سازمان‌یافته، داعش را از پیاده‌سازی تغییرات حکومتی مدنظر خود، بازداشت.



تضعیف داعش و ظهور گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران

بیرون راندن داعش از القایم در سال ۲۰۱۷ و در نهایت شکست آن در سال ۲۰۱۹ منجر به استقرار شمار زیادی از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی در نواحی مرزی قائم و بوکمال شد. بسیاری از این گروه‌های شبه نظامی روابط نزدیکی با ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشتند. این روابط سبب شدند نواحی مرزی به گذرگاهی برای ایران تبدیل شود و امکان اعمال نفوذ این کشور در منطقه را پدید آورند. ایالات متحده و اسرائیل هم به طور متقابل، متوجه اهمیت نواحی مرزی عراق و سوریه به عنوان یک جبهه حیاتی در تقابل با ایران شدند. تحرکات مرزی عموماً از جانب مرز عراق رقم می‌خورد و منبع نفوذ ایران و شبه نظامیان در سوریه بود. بیشتر آنچه که در بوکمال وقوع یافته، ادامه تحولات رخ داده در قائم بوده است.



نظامی شدن منطقه مرزی بوکمال-قائم

در سمت عراقی مرز، مجموعه ای از واحدهای دولتی، غیردولتی و واحدهای نظامی شبه دولتی کنترل زمینی را با یکدیگر به اشتراک گذاشته‌اند. این مجموعه لشکرهای هفتم و هشتم ارتش عراق، واحدهای مرزبانی، نیروهای ضد تروریسم، پلیس فدرال، شبه نظامیان فعال تحت نظر نیروهای حشد الشعبی و یک نیروی قبیله‌ای محلی را شامل می‌شود. اگرچه این نیروها برای جنگ علیه داعش گردهم آمدند، اما هر کدام منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را نیز دنبال می‌کنند. به خصوص، رقابت بر سر نفوذ بین آمریکا و ایران به یک عامل اصلی در شکل‌دهی واقعیت‌های منطقه در دوران پساداعش تبدیل شده است.

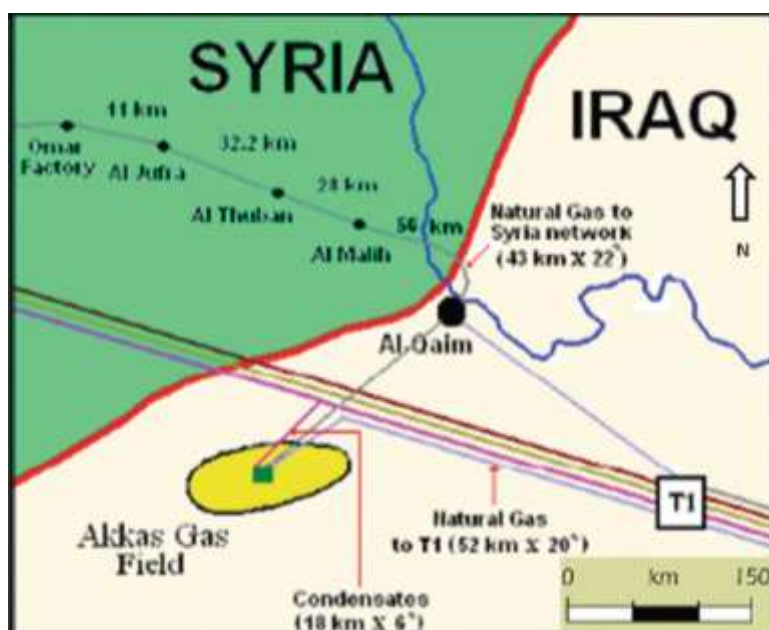
این رقابت اساساً در استقرار گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به ایران در قائم و بوکمال مشهود است و چند دستگی قدرت و فعالیت نظامی در منطقه را نشان می‌دهد. شبه‌نظامیان اصلی فعال در قائم، کتائب حزب الله (تیپ ۴۵ حشد الشعبی) که کنترل جاده بین قائم و عکاشات را در دست دارد، کتائب الامام علی (تیپ ۴۰ حشد الشعبی)، سرایا الخراسانی (تیپ ۱۸ حشد الشعبی)، لواء المنتظر (تیپ ۷ حشد الشعبی) و کتائب انصار الحجت (تیپ ۲۹ حشد الشعبی) هستند.



برخی گروه‌های شبه‌نظامی حاضر در منطقه قائم-بوکمال

لواء الطفوف (تیپ ۱۳ حشد الشعبی) به رهبری قاسم مصلح نیز در منطقه فعالیت می‌کند که با سپاه پاسداران ایران همسو نیست. اگرچه مصلح و گروه‌های وابسته به ایران در موضع ضد آمریکایی اشتراک دارند، اما تیپ او در حرم امام حسین در کربلا شکل گرفته و از همین رو به مقامات مذهبی نجف به رهبری آیت الله سیستانی وفادار است [۳۴]. لواء الطفوف با استقرار در نواحی مرزی حصیبه، در مقایسه با سایر گروه‌ها که به اعتقاد محلی‌ها حافظ منافع ایران هستند، روابط بهتری را با ساکنان اهل تسنن منطقه ایجاد کرده است. به گفته برخی از مسئولان محلی منطقه القائم، ساکنان محلی بیشتر از هر گروه دیگری، حضور گردان لواء الطفوف را می‌پذیرند. در برخی از موارد گزارش‌های امنیتی توسط مردم منطقه به این گردان داده می‌شود و برخی از ساکنان این منطقه بدون در نظر گرفتن اختلافات مذهبی به این گردان پیوسته‌اند [۳۵].

دو نیروی محلی دیگر نیز در منطقه فعال هستند که بخشی از حشد قبیله‌ای (الحشد العشائری: شبه نظامیان سنی که عضو حشد الشعبی هستند) به شمار می‌روند. گروه اول، تیپ حمزه به رهبری شیخ رباح المحلاوی و متشکل از اعضای قبیله بومحال است که در نزدیکی حصیبه مستقر شده است. این گروه پس از حمله آمریکا به عراق و در جهت مقاومت در برابر اشغال عراق شکل گرفت، اما در سال ۲۰۰۵ و پس از کشته شدن شماری از افراد آن از جمله رئیس پلیس قائم توسط القاعده عراق، به یک متحد قدرتمند محلی ارتش آمریکا در جنگ علیه القاعده تبدیل گشت [۳۶]. دومین گروه، تیپ فرات است که از اعضای قبیله کربولی تشکیل شده و رهبری آن را موسی کربولی و آصف ابراهیم کربولی در کربله بر عهده دارند. این نیروها در نزدیکی میدان گازی عکاش مستقر هستند [۳۷].



موقعیت میدان گاز عکاش

سمت سوری مرز قائم-بوکمال بین نیروهای دموکراتیک سوریه و نیروهای دولت بشار اسد تقسیم شده است. با این حال، گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت سپاه پاسداران ایران نیز حضور قابل توجهی در بوکمال دارند. در شامیه که بخش تحت کنترل نیروهای متحد بشار اسد به شمار می‌رود، رسته هفدهم ارتش سوریه، گارد جمهوری خواه و برخی نیروهای روسی مرز بین نیروهای اسد و نیروهای دموکراتیک سوریه در سراسر فرات را کنترل می‌کنند. روس‌ها همچنین مرکزی متمرکز بر آشتی و مصالحه (مرکز المصالحة) در بوکمال را مدیریت می‌کنند.

برخی از محله‌های این شهر به مراکزی برای شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران از جمله کتائب حزب الله، فاطمیون، کتائب الامام علی و عصائب اهل الحق تبدیل شده است [۳۸]. در ماه مه ۲۰۱۹، شبه‌نظامیان فاطمیون که از جنگجویان شیعه افغانستان تشکیل شده، کنترل ساختمانی در منطقه دووار بوکمال را به دلیل دید منا سب جاده‌های اطراف آن، در اختیار گرفتند. آن‌ها در آنجا دوربین نصب و ساختمان را به یک مرکز عملیاتی تبدیل کردند. در مقابل آن‌ها در سمت جزیره، نیروهای دموکرات سوریه (تحت حمایت آمریکا) منطقه را تحت کنترل دارند. این ترکیب واحدهای مسلح در نواحی مرزی قطعاً سبب خواهد شد تنش‌ها در سال‌های آتی ادامه داشته باشند.

در مناطق تقسیم شده بین نیروهای دولت سوریه و نیروهای دموکرات سوریه نیز یک نظام سیاسی و اجتماعی موازی ایجاد شده است. با اینکه هر دو ناحیه از داعش پس گرفته شده، اما نیروهایی که این نواحی را در کنترل دارند، هر کدام می‌خواهند برنامه‌های خودشان را پیش ببرند. هدف برای دمشق گشودن مرز جهت تسهیل حرکات شبه‌نظامیان وابسته به تهران است. در همین حال، اولویت نیروهای دموکرات سوریه شکست دادن داعش است. از این رو، دستاورد خروج داعش و همچنین مشارکت با قبیله شیتات نقشی حیاتی در برقراری مشروعیت سیاسی برای نیروهای دموکرات سوریه است [۳۹]. این تفاوت در اهداف سیاسی به تفرقه و جدایی در بوکمال دامن زده است و چندپارچگی مرز را تشدید می‌کند.

امروزه، تا جایی که مساله به نظام امنیتی دوگانه نواحی مرزی قائم-بوکمال مربوط می‌شود، مرز میان بازیگران رسمی و غیر رسمی امنیتی بسیار کمرنگ شده است. در حقیقت، مشخص نیست که کدام یک اختیار عمل دارد؛ چراکه گروه‌های شبه‌نظامی به طور فزاینده‌ای در امور اقتصادی، امنیتی و حکومتی ادغام شده‌اند. این ابهام، بازتابی از تمایلات ژئوپلیتیکی مرزی، ملی و محلی به شمار می‌رود. با وجود حضور نیروهای امنیتی چندگانه، یک حس ناامنی بر اقتصاد و حکمرانی محلی سایه انداخته است. بنابر ادعای مقامات و ساکنان محلی، تنش‌های ناشی از حضور شبه‌نظامیان و ضعف نیروهای امنیتی رسمی، تامین

امنیت کامل شهرهای مرزی و انتقال منابع جهت بازسازی و پایدارسازی بلندمدت را دشوار ساخته است.

مرز عراق و سوریه دیگر از نظر لغوی معنایی ندارد. در عوض، این مرز به یک ناحیه استراتژیک برای بازیگران مختلف تبدیل شده است. هیچ یک از بازیگران، تمایلی به تسهیل بازگشت پناهندگان یا بازسازی ندارند. در نتیجه، این منازعات شکل منطقه مرزی را بر مبنای منطق نظامی و امنیتی و بدون توجه به نیازها و خواسته‌های ساکنان آنجا تغییر داده است. برای مثال، کتائب حزب الله پهنه وسیعی از زمین‌های زراعی در منطقه مشاری در جنوب قائم را به یک منطقه نظامی تبدیل کرده و به کشاورزان محلی اجازه استفاده از آنجا را نمی‌دهد. این منطقه در حدود ۱۶۰۰ مزرعه را در بر می‌گیرد. اعضای شورای محلی قائم مدعی شده‌اند که این تصمیم به اقتصاد منطقه ضربه خواهد زد، زیرا که در حدود ۴۰ درصد از جمعیت از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کنند. البته گفته می‌شود شبه نظامیان قول مساعدت به کشاورزان محلی را داده‌اند تا به این مزارع دسترسی پیدا کنند و امکان جابجایی کامیون‌ها و مردم در مناطق تحت کنترل آن را فراهم کنند [۴۰]. بخش صنعتی منطقه نیز به دلیل چندین دهه جنگ و تحریم‌های بین‌المللی خسارات شدیدی را متحمل شده است. شرکت فرآوری فسفات قائم که زمانی محصولات خود را صادر می‌کرد، پس از اشغال داعش، فعالیت خود را متوقف کرده، بیشتر تجهیزات و ماشین‌آلات آن از بین رفته، تکه‌تکه شده و در ساخت زره و پوشش برای وسایل نقلیه استفاده شده است [۴۱].

شبه نظامیان همچنین با انحصار فعالیت‌های بازار سیاه، به ویژه قاچاق سوخت وارداتی از سوریه، به اقتصاد محلی آسیب رسانده‌اند [۴۲]. براساس گفته یک منبع آگاه در استان الانبار که دارای ارتباطاتی در قائم است؛ در حالی که گذرگاه مرزی قبل از اکتبر سال ۲۰۱۹ هنوز بسته بود، صدها نفر کامیون زیر نظر شبه نظامیان از مرز عبور می‌کردند [۴۳]. عضو یک نهاد رسمی امنیتی عراق نیز تأیید کرد که نهادهای دولتی نمی‌توانند مناطق کنترل‌شده توسط شبه نظامیان تحت حمایت سپاه در نزدیکی منطقه مرزی قائم را تحت نظر بگیرند [۴۴]. همچنین شبه نظامیان از کامیون‌هایی که وارد منطقه می‌شوند یا کالاهایی را به داخل یا خارج مرزها حمل می‌کنند، مالیات اخذ می‌کنند. از این میان می‌توان به کامیون‌هایی که سنگ آهک مورد نیاز برای ساخت و ساز در قائم را از معادن عکاشات در جنوب قائم حمل می‌کردند اشاره کرد که به شبه نظامیان کنترل‌کننده این جاده مالیات دادند. به گفته ساکنان محلی، کامیون‌ها ماهانه حدود ۲,۰۰۰ دلار پرداخت می‌کنند تا بتوانند از این جاده برای حمل سنگ آهک استفاده کنند [۴۵].

اگرچه رقابت ژئوپلیتیک توجیهی برای استقرار گروه‌های شبه نظامی در نواحی مرزی است، اما وجود فرصت‌های اقتصادی سودمند در منطقه، آن‌ها را به ایجاد یک ساز و کار سرمایه‌گذاری و تقویت حضور در

آنجا ترغیب می‌کند. همانند دیگر بخش‌های سوریه، خشونت به ابزاری ضروری در سودآوری تبدیل شده و باتوجه به نرخ بالای بیکاری و افزایش نظامی‌گرایی توسط دولت و اقتصاد، ایجاد و ملحق شدن و حتی تقویت گروه‌های شبه‌نظامی به روشی مناسب برای کسب سود تبدیل شده است. در میان این فضای ناامنی عمومی، بیشتر نیروهای شبه‌نظامی و بعضاً نیروهای رسمی امنیتی، اقدام به اخاذی می‌کنند. ساکنان محلی گزارش داده‌اند که برخی از نیروهای قبیله‌ای که از حمایت و پشتیبانی توسط ارتش آمریکا یا دولت عراق محروم شده‌اند، با تهدید و اخاذی منظم از صاحبان مشاغل و مغازه‌داران سعی در جبران نبود پشتیبانی می‌کنند [۴۶].

با توجه به ضعف، ناکارآمدی و فساد موسسات دولتی، گاه‌آ افراد محلی از اقدامات گروه‌های شبه‌نظامی به فرماندهان حشد الشعبی از جمله گردان لواء لطفوف شکایت می‌کنند [۴۷]. با این حال، هیچ مرجعی وجود ندارد که بتواند شبه‌نظامیان قدرتمندی همچون کاتب حزب الله را کنترل کند. یکی از ساکنان محلی اظهار داشت، ما نمی‌دانیم چگونه با شبه‌نظامیان معامله و رفتار کنیم. آنها به جناح‌های مختلف تعلق دارند و از افراد مختلف دستورات مختلفی دریافت می‌کنند [۴۸]. از همین رو و جهت مقابله با ناپایداری اقتصادی در منطقه، صاحبان محلی مشاغل پول خود را در سایر مناطق عراق، مانند کردستان، یا حتی خارج از کشور، به ویژه در ترکیه یا کشورهای حوزه خلیج فارس سرمایه‌گذاری می‌کنند [۴۹].

در همین حال، حضور شبه‌نظامیان شیعه وابسته به سپاه پاسداران ایران، نگرانی‌ها از تشدید تنش‌های قبیله‌ای در مناطق سنی‌نشین را افزایش داده است؛ وضعیتی که می‌تواند زمینه را برای پدیداری مجدد داعش فراهم کند. یکی از نشانه‌های عمق نفوذ شبه‌نظامیان شیعه، حضور گروه کتائب الامام علی است که یک پایگاه در بوکمال سوریه دارد [۵۰]. یک شبه‌نظامی عضو این گروه گفت: «ما آنجا هستیم زیرا ارتش سوریه ضعیف است و در آن فساد وجود دارد» [۵۱]. با شروع سال ۲۰۱۹، شبه‌نظامیان تمهیدات امنیتی سفت و سختی را در بوکمال در پیش گرفتند. آنها در مرز دوربین نصب کردند، ساختمان‌های از پیش ساخته بنا کردند و مردم را از نواحی مرزی تخلیه و به عراق فرستادند. آنها همچنین درختان را قطع کردند تا دید واضحی از مرز داشته باشند [۵۲].

حضور شبه‌نظامیان، مانع از دخالت نیروهای امنیتی دولتی در سمت عراقی مرز نمی‌شود. اگرچه برخی در ارتش عراق، نیروهای ویژه ضدتروریسم و واحدهای اطلاعاتی، فاصله خود با شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران را حفظ می‌کنند، اما اعضای مرزبانی عراق اذعان داشتند که شبه‌نظامیان برای جلوگیری از ورود دوباره داعش به خاک عراق دست به این اقدامات زده‌اند [۵۳]. آنها تصدیق کردند که به دلیل عدم توسعه نظام کنترلی و نظارتی مناسب، حضور شبه‌نظامیان در کنار نیروهای دولتی قابل توجیه است [۵۴].

این دیدگاه را می‌توان اینگونه توضیح داد که فرمانده گارد مرزی عراق که به وزارت کشور وابسته است، با سازمان بدر (یک گروه شبه نظامی با تاریخچه‌ای از روابط دیرینه و عمیق با سپاه پاسداران ایران) نیز ارتباط دارد. این مساله نشان‌دهنده همکاری یا احتمالاً تقسیم وظایف میان گارد مرزبانی و شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران است.

به هر حال ترس از ظهور مجدد داعش را نمی‌توان غیرمنطقی دانست؛ عنا صر وابسته به داعش همچنان در جستجوی فرصت برای هجوم به مرزها و تامین سرمایه‌های جایگزین هستند. طبق ادعای مقامات رسمی عراق، داعش توانایی قاچاق انسان، اسلحه و کالا در طول مرز را دارد [۵۵]. حدود ۱۲۰۰ نفر از اعضای آن در ۹ ماه ابتدایی سال ۲۰۱۹ و به وسیله حضور در گروهک‌ها و به کمک شبکه‌های قاچاق محلی یا نیروهای محلی فاسد، از مرز عراق و سوریه عبور کرده اند [۵۶]. ناامیدی نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی و دشمنی‌های قبیله‌ای می‌تواند برخی از افراد محلی را به سوی تلاش داعش جهت شکل‌گیری یک قیام مجدد سوق دهد.

پیامدهای منطقه‌ای مرز قائم - بوکمال

وجود یک نظام امنیتی دوگانه در منطقه مرزی با قرارگیری نیروهای امنیتی دولتی در کنار شبه نظامیان، یک وضعیت ناپایدار ذاتی ایجاد کرده است. رقابت‌های برجسته ژئوپلیتیکی منطقه‌ای، یعنی تقابل آمریکا و اسرائیل با ایران، تحرکات مرزی را به شدت تحت تاثیر قرار داده و منطقه مرزی قائم-بوکمال را به صحنه‌ای برای یک پیکربندی دوباره ژئواستراتژیک که در آن ایران و متحدانش برای نفوذ بیشتر رقابت می‌کنند، تبدیل کرده است.

حمایت اخیر ایران از دولت‌های سوریه و عراق در جنگ با مخالفان مسلح خود، روابطش با هر دو کشور را محکم‌تر کرده است. در همین حال، سپاه پاسداران ایران با ایجاد و گسترش یک شبکه فراملی از شبه نظامیان، آزادی دولت‌های هر دو کشور در فعالیت مستقل آن‌ها از منافع ایران را محدود ساخته است. شبکه گروه‌های شبه نظامی تحت رهبری سپاه پاسداران ایران جنگجویانی از افغانستان، عراق، لبنان و سوریه را شامل می‌شود که در کنار نیروهای دولت‌های سوریه و عراق با داعش و مخالفان سوری جنگیده‌اند و از این حیث، دولت‌های این دو کشور را به حمایت ایران وابسته کرده‌اند. به علاوه، این گروه‌ها با در هم آمیختن با ساختار دولتی و با کنترل قلمرو و ایمن ساختن منابع، مشروعیت، مصونیت و نفوذ زیادی کسب کرده‌اند. اگرچه در واقعیت، این گروه‌های شبه‌نظامی تا اندازه زیادی خودمختاری عملیاتی و اجرایی در خارج از زنجیره فرماندهی یاد شده دارند و از چتر حشد الشعبی به عنوان پوششی مشروع برای استقرار استفاده می‌کنند.

ایران از استقرار نیروهای شبه نظامی در محدوده قائم و بوکمال چندین هدف را دنبال می‌کند:

- اول، ایران تمایل دارد تا فرصت داعش برای ظهور مجدد از طریق بهره‌وری از توپوگرافی نواحی بیرونی عراق و سوریه و دوری آن‌ها از بغداد و دمشق را از این گروه تروریستی بگیرد.
- دوم، ایران می‌خواهد تا یک گذرگاه زمینی برای خود از عراق تا سوریه و لبنان ایجاد کند؛ امری که نیازمند کنترل و پایش حرکات مردم، نظامیان و محموله‌ها در طول مرز است.
- سوم، تهران تمایل دارد تلاش‌های ایالات متحده و متحدانش برای استفاده از نواحی مرزی (یعنی جایی که اهل سنت با احساسات ضد ایرانی در آن ساکن هستند) به عنوان پایگاهی برای مقابله با اعمال نفوذ ایران در منطقه را ناکام سازد.
- چهارم و آخر اینکه ایران به بازبانی توانایی تقویت نظامی حزب الله در لبنان و استقرار احتمالی

نیروهای شبه نظامی وابسته به سپاه پاسداران در این منطقه جهت هدایت روند مقابله با اسرائیل در لبنان و سوریه نیاز دارد.

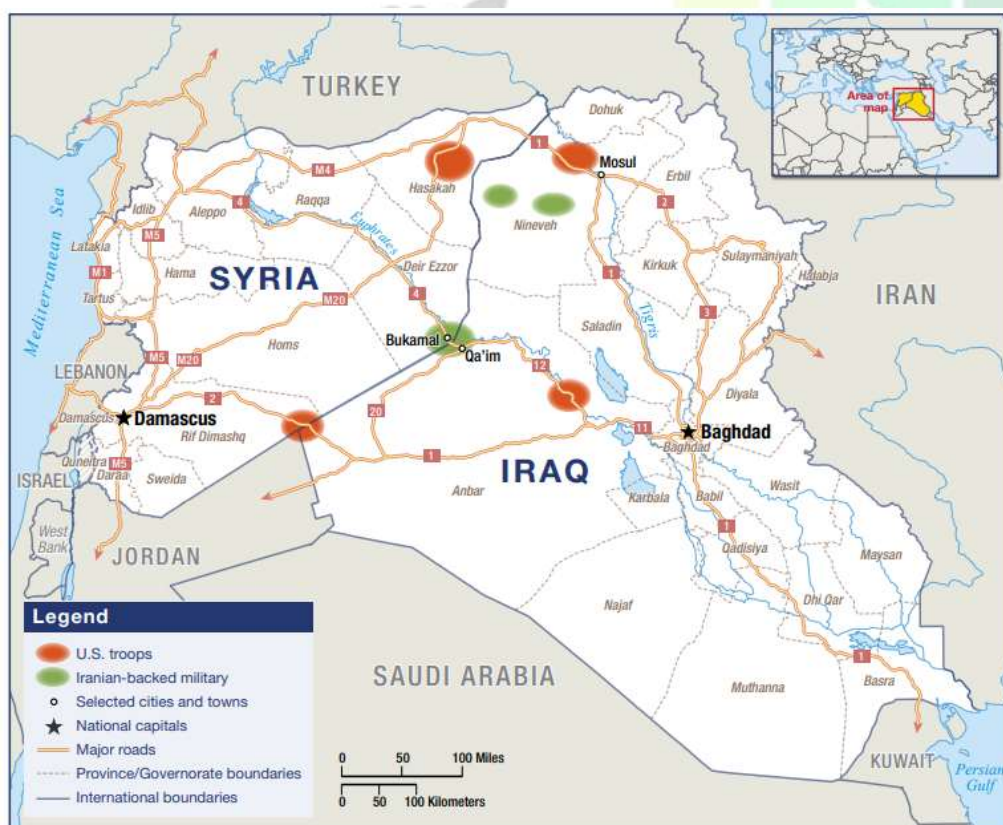
حضور نیروهای ایالات متحده از نگرانی‌های اصلی ایران و متحدان آن است. آمریکا همچنان دو پایگاه نظامی در نزدیکی مرز دارد؛ یکی از آنها در تنف، در ۲۰۰ کیلومتری جنوب مرز قائم-بوکمال و در نزدیکی گذرگاه مرزی تنف-ولید واقع شده است. دیگری، عین الاسد در فرمانداری انبار نزدیک منطقه البغدادی است. دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، در دسامبر ۲۰۱۸ از این پایگاه دیدن و اعلام کرد که از آن برای رصد فعالیت‌های ایران استفاده می‌کند [۵۷]. به علاوه، نیروهای ایالات متحده در طی جنگ با داعش، در نزدیکی ایستگاه راه آهن قائم مستقر بودند. همچنین به گفته اعضای شورای محلی قائم، نیروهای آمریکایی تا پیش از نقل و انتقالات اخیر در نزدیکی شرکت فسفات مستقر شده بودند. همچنین برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که هزاران نیروی آمریکایی در آن منطقه حضور دارند [۵۸]. ارتش آمریکا در ۱۶ مارس ۲۰۲۰ استقرار مجدد این نیروها در پایگاه دیگری در کرکوک را اعلام کرد. لازم به ذکر است که اگرچه مقامات نظامی آمریکا ادعا می‌کنند که این استقرار مجدد از پاییز ۲۰۱۹ برنامه‌ریزی شده بود، اما خبر رسمی آن زمانی اعلام شد که گروه‌های شبه نظامی در حال افزایش حملات خود به پایگاه‌های ایالات متحده در عراق بودند [۵۹].

نیروهای شبه نظامی وابسته به سپاه پاسداران ایران از استقرار ایالات متحده در غرب عراق استفاده کردند تا حضور خودشان در نزدیکی مرزها را توجیه کنند. مقامات عراق در انبار ادعا کردند که آمریکا در تلاش است تا پایگاه‌های جدیدی در شهر الرمانه در شمال قائم تأسیس کند [۶۰]. اعضای گروه‌های شبه نظامی وابسته به ایران در آخرین تلاش تبلیغاتی خود، اعلام کردند که حضور نظامی آمریکا در منطقه با هدف کمک به داعش بوده است [۶۱]. شماری از اعضای کتائب حزب الله در ماه اوت ۲۰۱۹ در یک حمله پهنپادی کشته و چند نفر هم زخمی شدند. حشد الشعبی اسرائیل را به دست داشتن در این حمله متهم کرد [۶۲]. حشد الشعبی در دیگر بیانیه‌ها، آمریکا را به دلیل تسهیل حملات اسرائیل به پایگاه‌های خود متهم کرد. این امر سبب شد که گروه‌های سیاسی حامی حشد الشعبی بر خواسته‌های خود مبنی بر خروج کامل نیروهای آمریکا از عراق بیش از پیش تأکید کنند [۶۳].

ارتش ایالات متحده در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۹ در چند حمله هوایی به ۵ مقر نیروهای شبه نظامی وابسته به سپاه پاسداران ایران (۳ موقعیت در عراق و ۲ موقعیت در سوریه) حمله کرد. این حملات به کشته شدن بیش از ۲۵ نفر از اعضای کتائب حزب الله انجامید و سبب شد دولت عراق و نیروهای حشد الشعبی به شدت آن‌ها را محکوم کنند [۶۴]. واشنگتن ادعا کرد که این حملات در پاسخ به حمله کتائب حزب الله به یکی از

پایگاه‌های نظامی آمریکا در شمال عراق بوده است. حمله ای که به کشته شدن یک پیمانکار غیرنظامی آمریکا انجامید [۶۵].

این حمله تنش‌ها میان آمریکا و گروه‌های وابسته به ایران و دولت عراق را بیش از پیش تشدید کرد و معترضان وابسته به حشد الشعبی را بر آن داشت تا به سفارت آمریکا در بغداد حمله کنند. دولت ترامپ با دستور ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران و ابومهدی المهندس، فرمانده جانشین حشد الشعبی به این حمله پاسخ داد. ایران هم با شلیک موشک به دو پایگاه نظامی آمریکا در عراق تلافی کرد [۶۶]. این حملات تلفات زیادی نداشتند و ایران و آمریکا هر دو از پیشبرد بیشتر تنش‌ها خودداری کردند و در جهت کاهش شدت بحران پیش رفتند. سلسله این وقایع مخاطره‌آمیز نشان داد که خصومت‌ها در یک ناحیه مرزی با اهمیت استراتژیک میان عراق و سوریه می‌تواند کشورها را تا آستانه جنگ پیش ببرد.



سربازان ایالات متحده و شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در نزدیکی مرز عراق و سوریه

یک جنبه دیگر رقابت بین آمریکا و ایران به بازسازی نواحی مرزی و جاده‌های منتهی به آن مربوط می‌شود. بنابر تایید منابع گوناگون [۶۷]، پروژه ساخت بزرگراه برای اتصال بغداد به طربیل در مرز عراق-اردن و بین بغداد و تنف در مرز عراق-سوریه از نمونه‌های این رقابت است. این شبکه بزرگراه‌ها همچنین به یک جاده فرعی متصل است که از الرطبه شروع می‌شود و به گذرگاه مرزی قائم-بوکمال می‌رسد و از آنجا در جاده

قائم-بوکمال در سوریه ادامه دارد [۶۸].

بزرگراه ۵۷۰ کیلومتری بغداد-طربیل در اواخر دهه ۸۰ میلادی ساخته شد و در دوران تحریم های دهه ۹۰ میلادی به یک مسیر اصلی ارتباطی بین عراق و جهان بیرون تبدیل گشت. بنابر اسناد ثبت شده، حدود ۴۰ در صد مبادلات زمینی عراق از طریق این بزرگراه صورت می گرفت [۶۹]. پس از سال ۲۰۰۳، به دلیل حمله شورشیان به خصوص القاعده عراق و سرقت یا ضبط کالاها و وسایل نقلیه، امنیت آن کاهش یافت. حتی وقتی القاعده در عراق تضعیف شد، شبه نظامیان قبیله ای اقتصاد غیرقانونی بزرگراه را به دست گرفتند و ارتش آمریکا نیز به آنها اجازه این کار را می داد داد تا آنها را برای جنگ با القاعده عراق تشویق کند [۷۰].



بزرگراه بغداد-طربیل (مرز عراق و اردن)

دولت عراق و حیدر العبادی، نخست وزیر وقت آن، در مارس ۲۰۱۷ طرح پیشنهادی ارائه شده از سوی فرماندار انبار مبنی بر انعقاد قرارداد با شرکت «اولایو گروپ» آمریکا جهت تعمیر بزرگراه و محافظت از کارگران و مسافران را تایید کرد [۷۱]. این قرارداد برنامه ای برای توسعه یک بزرگراه بین المللی جهت ایجاد دسترسی بغداد به عرعر در مرز عراق-عربستان و ساخت یک بزرگراه جدید به منظور اتصال مستقیم انبار به مرز عربستان را نیز شامل می شد [۷۲].



مسیرهای بغداد به عرعر (در کشور عربستان)

اما این پروژه با مخالفت‌های شدیدی از سوی اعضای مجلس عراق از جمله گروه‌های شیعه همسو با ایران و برخی گروه‌های سنی مخالف با احزاب اسلامی که در آن زمان مسئول فرمانداری بودند، مواجه شد. این مخالفت‌ها دولت را مجبور کرد تا از این قرارداد صرف نظر کرده و وظیفه محافظت از بزرگراه را به نیروهای امنیتی عراق بسپارد. یکی از دلایل مخالفان این طرح سوءظن آنها به گروه اولایو^۱ بود؛ آنها نگران بودند که شاید این شرکت با سازمان امنیتی بدنام «بلک واتر» در ارتباط باشد. ۴ نفر از اعضای بلک واتر در سال ۲۰۰۷ در تیراندازی و کشتن دست کم ۱۷ نفر در بغداد مجرم شناخته شده بودند [۷۳].

با این حال، به گفته یک مقام دولتی از انبار که به طور مستقیم در پیشبرد پروژه دخیل بود، گروه‌های همسو با ایران علیه پروژه همدست شدند چون آن را تلاشی از سوی آمریکا برای گسترش نفوذش در انبار و شرق عراق می‌دانستند [۷۴]. برخی از گروه‌های حامی ایران با توجه به این حقیقت که نیروهای آمریکا حریم هوایی منطقه را تحت کنترل داشتند و بالون‌های نظارتی را مدیریت می‌کردند، این پروژه را نیز بخشی از یک برنامه بلندمدت برای تثبیت جایگاه آمریکا در منطقه و تبدیل آن به یک پایگاه فعالیت‌های ضد ایرانی قلمداد کردند [۷۵].

یک مقام رسمی کتائب حزب الله نیز در حالی که «تلاش نیروهای آمریکایی برای کنترل مرزهای عراق-سوریه به بهانه جلوگیری از استفاده ایران از این مرز جهت کمک رسانی به سوریه و حزب الله و همچنین اعمال هژمونی بر توانایی‌های عراق و کمک به گروه‌های محلی که به دنبال جداسازی در عراق بودند» را

¹ Olive Group

محکوم می‌کرد، نگرانی‌های مشابهی را بیان کرد [۷۶]. گروه‌های حامی ایران همچنین به دنبال توسعه یک برنامه جایگزین جهت بهره‌برداری از شبکه بزرگراه‌های عراق برای گسترش و تثبیت نفوذ خود در مرزها برآمدند. به گفته ساکنان محلی، تلاش‌هایی برای توسعه مسیری از کربلا به منطقه قائم-بوکمال جهت تسهیل حرکت گروه‌های وابسته به حشد الشعبی و مردم عادی (به خصوص زائران عازم دمشق) بین منطقه پرجمعیت شیعه جنوبی و مرز صورت گرفت [۷۷].

اهمیت گذرگاه مرزی قائم-بوکمال برای ایران با یادآوری این مساله که بازگشایی رسمی این مرز در اکتبر ۲۰۱۹ در نتیجه منافع ایران و متحدانش به دولت دیکته شد، مشهودتر می‌شود.^۱



بازگشایی رسمی گذرگاه قائم-بوکمال

به گفته یک قانونگذار سنی از قائم، مرز اساساً برای کمک به اقتصاد سوریه، کاهش کمبود سوخت و ایجاد فرصت برای دولت سوریه جهت احیای تولیدات صنعتی در حلب باز شده بود [۷۸]. محمد الشعار، وزیر کشور سوریه، در فوریه ۲۰۱۸ به بغداد سفر کرد و از دولت و مجلس عراق خواست مرز را باز کنند [۷۹]. عراقی‌های متحد ایران از جمله محمد الهاشمی که رئیس دفتر نخست وزیر و عضو یک ائتلاف وابسته به ایران بود، نیز به این امر تمایل داشتند و اعضای مجلس از انبار را مجبور کردند تا بازگشایی مرز را تایید کنند [۸۰].

مساله دیگری که بر اهمیت گذرگاه مرزی قائم-بوکمال افزوده، بسته ماندن دو گذرگاه مرزی دیگر بین عراق و سوریه (تنف-ولید و ربیعہ-عربیه) بوده است. دسترسی دمشق به این گذرگاه‌ها به ترتیب توسط نیروهای آمریکا و نیروهای دموکرات سوریه (قسد) قطع شده است.

^۱ البته افتتاح رسمی این گذرگاه آخرین روز سپتامبر ۲۰۱۹ بوده است.



گذرگاه ولید (عراق)-تنف (سوریه) و موقعیت آن نسبت به گذرگاه قائم-بوکمال



گذرگاه ربیعہ (عراق)-ربیعہ (سوریه) و موقعیت آن نسبت به گذرگاه قائم-بوکمال

برخی مقامات دولتی قائم باور دارند بازگشایی گذرگاه مرزی بیشتر از همه به سود ایران و متحدانش تمام می‌شود. آنها می‌گویند تنها شرکت‌های وابسته به ایران و متحدانش اجازه خواهند داشت به فعالیت‌های بازرگانی بپردازند. این شرکت‌ها عمدتاً لبنانی، عراقی و سوری هستند [۸۱]. دولت لبنان و حزب الله این کشور، تمایل بسیار زیادی به توسعه فعالیت‌های مرزی نشان داده و گفته‌اند که این فعالیت‌ها سهم بیشتری

از بازار گسترده عراقی را در اختیار کالاهای لبنانی قرار می‌دهد و به اقتصاد کشورشان کمک می‌کند [۸۲]. با این حال، مقامات دولتی قائم تایید کرده اند بازگشایی مجدد گذرگاه مرزی جدای از سیاست‌گذاری‌های کلی، به اقتصاد محلی و اشتغال‌زایی جوانان بیکار منطقه نیز کمک می‌کند [۸۳].

اگرچه تهران و متحدانش به دنبال متصل کردن منطقه مرزی قائم-بوکمال به شبکه گسترده‌تر گروه‌های حامی ایران و ضد آمریکایی هستند، بغداد و دمشق در تلاشند تا اختیار قضایی خود را در این مناطق حفظ کنند. به گفته کاظم العقابی، رئیس سابق گذرگاه‌های مرزی عراق، دولت این کشور سعی داشته تا سیاست کنترل مرزی را احیا کند و سازوکار موثری برای پایش تحرکات مردم و کالاها در مرز به اجرا گذارد [۸۴]. از این رو، اولویت‌های مقامات امنیتی و نهادهای مدنی عراق و سوریه با گروه‌های تحت حمایت سپاه پاسداران ایران هم‌سو نیست و این در حالی است که برخی از این گروه‌ها در عراق به حشد الشعبی تعلق دارند که اساساً بخشی از دولت این کشور به شمار می‌رود.

این عدم هم‌سویی گاهی برای عموم نیز آشکار می‌شود. برای نمونه، دولت عراق بر حق انحصاری خود برای نظارت بر گذرگاه‌های مرزی از طریق اداره گذرگاه‌های مرزی تاکید کرده است. با این حال، العقابی اذعان داشته اعمال قدرت مرزبانان و افسران گمرک در مرز بر گروه‌های قدرتمند فعال در منطقه در بیشتر موارد ساده نبوده است [۸۵].

به عنوان یک نمونه دیگر از نبود اعتماد میان گروه‌های تحت حمایت سپاه پاسداران ایران و موسسات امنیتی دولت عراق، می‌توان به انتشار مکالمه تلفنی ژنرال محمود الفلاحی، فرمانده عملیات امنیتی عراق در انبار، و یک مامور آژانس اطلاعات مرکزی ایالات متحده (سیا) توسط کتائب حزب الله در ژوئیه ۲۰۱۹ اشاره کرد. فلاحی در این مکالمه وعده داده اطلاعاتی درباره موقعیت‌های نیروهای حشد الشعبی در قائم و منطقه مرزی در اختیار آنان بگذارد [۸۶].

عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر پیشین عراق، در واکنش به این اتهامات به وزارت دفاع دستور بازرسی داد و معلوم شد اتهامات نادرست بودند. با این حال، فلاحی که یک ژنرال سنی بود تنزل رتبه پیدا کرد. برخی از قانون‌گذاران حامی حشد الشعبی گفتند که او تنها به دلیل اعمال فشارهای آمریکا بر دولت عراق، بی‌گناه دانسته شده است [۸۷]. طبق برخی گزارش‌ها، کتائب حزب الله از همان ابتدای امر با انتصاب فلاحی به عنوان مقام ارشد نظامی در انبار مخالف بوده چرا که او استقرار این گروه در نخب، منطقه مورد مناقشه بین فرمانداری‌های انبار و کربلا و مرز استراتژیک بین نواحی شیعه و سنی نشین، را رد کرده است [۸۸].

ساکنان منطقه مرزی قائم-بوکمال فکر می‌کنند یک عامل دیگری که بر اهمیت ژئوپلیتیک این نواحی

می‌افزاید، وجود منابع گسترده طبیعی از جمله نفت، گاز، فسفر و گوگرد است. به عنوان مثال، میدان گازی عکاش در بخش جنوبی استان قائم و بخش‌هایی از سوریه، یکی از بزرگ‌ترین میادین عراق است و توانایی تامین انرژی گاز و برق ارزان برای هر دو کشور عراق و سوریه را دارد [۸۹]. دولت و سران محلی در قائم باور دارند که دولت مرکزی عراق و فرمانداری انبار به رغم ظرفیت‌های اقتصادی عظیم این منطقه، به طور ناعادلانه‌ای آن را نادیده گرفته‌اند.

از این رو، برخی از ساکنان قائم در تقاضا برای تشکیل یک فرمانداری مجزا برای غرب انبار به دیگر شهرهای این منطقه همچون عانۀ، حدیثه، هیت و راوله پیوستند. طبق گفته‌های یک مقام دولتی از غرب انبار، هدف آنها اداره مستقل منطقه و بهره‌وری مناسب از منابع آن بود [۹۰]. اما برخی از مقامات این خواسته را تلاشی برای تضعیف فرمانداری و ایجاد تفرقه در میان سنی‌ها دانسته و آن را نپذیرفتند. به گفته صباح المحلاوی، رئیس قبیله بومحال، بیشتر نمایندگان سنی مجلس مخالف این درخواست بودند [۹۱]. حتی اعضای شیعه مجلس نیز که حامی این لایحه بودند، قبول آن را مشروط بر تقسیم مجدد مرز میان انبار و کربلا و الحاق نُحَیب به کربلا دانستند. محلاوی بیان کرد که این خواسته شرایط را پیچیده‌تر کرده و یک بُعد قبیله‌ای نیز به آن افزود و به همین دلیل، او و همکارانش از این درخواست صرف نظر کردند.

این مساله حقیقتی بزرگ‌تر را درباره نواحی مرزی افشا می‌کند؛ شرایط نواحی مرزی، زمینه‌ساز تحولات منطقه‌ای است که به‌طور فزاینده‌ای با ملاحظات گسترده‌تر سیاسی و استراتژیک در عراق در رابطه با مرز وجود دارد. آینده منطقه مرزی قائم-بوکمال با در هم آمیختن این عوامل و رقابت و ارتباطات میان بازیگران دولتی، غیردولتی و بازیگران دوگانه فعال در این منطقه، شکل خواهد گرفت.

نتیجه گیری

در نتیجه‌ی درگیری‌ها و نزاع مداوم که در نزدیک به دو دهه گذشته منطقه را مسموم کرده، ناحیه مرزی قائم-بوکمال چند دسته و نظامی سازی شده است. با این حال، این منطقه به عنوان یک شریان اساسی که بغداد و دمشق را به یکدیگر متصل می‌کند، عمل کرده و گروه‌های گوناگون هم سو با ایران را در خود جای داده است. در نتیجه، استراتژی منطقه‌ای ایران به شدت با تحولات نوار مرزی عراق و سوریه در هم آمیخته است.

در عین حال، شهرها و روستاهای هر دو سوی مرز به دلیل جنگ خالی از سکنه شده‌اند؛ فعالیت‌های اقتصادی در این منطقه از بین رفته و بافت‌های اجتماعی قائم و بوکمال به طور کلی تغییر کرده است. به خصوص در بوکمال، بسیاری از مردمی که به دلیل درگیری‌ها از خانه‌های خود گریخته بودند، به دلیل ناپایداری و بی‌ثباتی مداوم، دیگر نمی‌توانند به مناطق خود بازگردند. شکل‌های جدیدی از روابط پدیدار شده است، تمایلات منطقه‌ای و بین‌المللی با یکدیگر تلاقی پیدا کرده و می‌تواند به ادامه درگیری‌ها در این منطقه بینجامد.

ایران و متحدانش در چنین فضایی حضور خود را در منطقه مرزی قائم-بوکمال پررنگ‌تر کرده و پایگاه‌های استراتژیک خود در عراق و سوریه را به یکدیگر متصل کرده‌اند. اما این پروژه ناتمام همچنان با چالش‌های اساسی مواجه خواهد بود. حملات هوایی آمریکا و اسرائیل به مقرهای گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران ایرانی در نواحی مرزی نشان می‌دهند که تهران و متحدانش هنوز موفق نشده‌اند یک مسیر عبور و مرور ایمن برای انتقال نیروها و محموله‌های خود ایجاد کنند. در همین حال، جمعیت محلی سنی در قائم و بوکمال سوءظن شدیدی به گروه‌های شبه‌نظامی طرفدار ایران دارند و گاهی حتی با آن‌ها دشمنی نیز می‌کنند و این واقعیت، موجب احساس ناامنی در میان گروه‌های شبه‌نظامی در رابطه با ساکنان محلی شده است. این گروه‌ها برای جبران این احساس ناخوشایند متقابل، سعی کرده‌اند تا خارج از مناطق شهری باقی بمانند و در عین حال خود را با اقتصاد محلی در هم آمیزند و از گذرگاه‌های مرزی برای به کارگیری شمار بیشتری از شرکای محلی استفاده کنند.

تنش‌ها میان نهادهای دولتی، شهروندی، امنیتی و نظامی در عراق و سوریه و گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران ایران، بر توانایی ایران در شکل‌دهی مجدد به مدیریت مرزی تنها مطابق اهداف خودش، تاثیر منفی می‌گذارد. به علاوه، از آنجایی که اکثر گروه‌های شبه‌نظامی عضو حشد الشعبی هستند، مجبورند تمایلات و اولویت‌های خود را با آن هماهنگ کنند؛ حشد الشعبی در دوران پساداعش به یک نهاد رسمی

تبدیل شده که دولت مرکزی عراق سعی دارد آن را کنترل کند. به رغم نفوذ شدید تهران در بغداد و دمشق، نیروهایی در داخل بدنه اصلی دولت و ادارات محلی هر دو کشور وجود دارند که ترجیح می دهند مسیرهای مستقلی را دنبال کنند؛ به عبارت دیگر به مقاصد ایران مشکوک هستند.

ورای همه این مسائل، حضور آمریکا و نفوذ بی‌رقیب روسیه در سوریه، توانایی ایران برای دیکته رفتار ملی و محلی مسئولین عراق و سوریه را محدود می‌کند. ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس ایران و ابومهدی المهندس، جانشین فرمانده حشد الشعبی یک خلأ در ساختار رهبری گروه‌های شبه نظامی وابسته به سپاه پاسداران ایران ایجاد کرده است. اگر جانشین سردار سلیمانی نتواند قدرت کنترل ایران را بازگرداند، جهت‌دهی به این گروه‌های شبه‌نظامی به مرور زمان تضعیف خواهد شد. چندگانگی بازیگران فعال در قائم و بوکمال و برنامه‌های مختلف آن‌ها، شکل‌گیری مجدد ساختار قدرت را به تاخیر انداخته و عدم قطعیت و بی‌ثباتی قابل توجهی را به مرزهای عراق و سوریه تزریق خواهد کرد.



درباره نویسندگان و پشتیبانی مالی

هریت حسن: یکی از اعضای ارشد غیرمقیم کارنگی مرکز خاورمیانه که تمرکز تحقیقات او بر عراق، فرقه گرایی، هویت سیاسی، بازیگران مذهبی و روابط دولت-جامعه است.

Harith Hasan is a nonresident senior fellow at the Carnegie Middle East Center, where his research focuses on Iraq.



خضر خادور: محقق غیرمقیم در کارنگی مرکز خاورمیانه در بیروت که زمینه اصلی تحقیقات او روابط نظامی-شهروندی و هویت‌های محلی در سرزمین شام با تمرکز بر سوریه است.

Kheder Khaddour is a nonresident senior fellow at the Carnegie Middle East Center, where his research focuses on Syria.



این گزارش با پشتیبانی شبکه تحقیقات محلی X-Border، مؤلفه ای از برنامه شواهد، سیاست ها و روندهای منازعه X-Border Department بریتانیا برای توسعه بین المللی (DFID)، که با کمک دولت بریتانیا تأمین مالی می شود، تولید شده است.



منابع و پی‌نوشت‌ها

- [1] Military Report on Iraq: Areas 2 (Upper Euphrates), General Staff, British Forces in Iraq, 1924, https://www.qdl.qa/en/archive/81055/vdc_100000000239.0x000163
- [2] Ibid. See also Eliezer Tauber, “The Struggle for Dayr al-Zur: The Determination of Borders between Syria and Iraq,” *International Journal of Middle East Studies* 23, no. 3 (1991): 361–85
- [3] Military Report on Iraq: Areas 2 (Upper Euphrates)
- [4] Ammar Youssef Abdullah, “Masalat Tarseem al-Hudud al-Iraqiyya as-Suriyya: 1919–2000” [The demarcation of the Iraqi-Syrian border, 1919–2000], *Journal of the College of Education* 15, no. 1 (2018): 939–58.
- [5] Off-the-record workshop on the Iraqi-Syrian border organized by the Carnegie Middle East Center and the Konrad-Adenauer-Stiftung, Beirut, June 11–12, 2019.
- [۶] الرمانه خود شامل چندین دهکده دیگر نیز هست.
- [۷] مصاحبه نویسنده با شهردار قائم
- [۸] مصاحبه نویسنده با صباح المحاوی شیخ عشیره بو محل
- [9] Military Report on Iraq: Areas 2 (Upper Euphrates).
- [10] Baath Regional Command Collection, Hoover Institution, Stanford University.
- [۱۱] مصاحبه نویسنده با استاندار سابق الانبار و عضو شورای محلی القائم
- [12] Tim Eaton, Christine Cheng, Renad Mansour, Peter Salisbuty, Jihad Yazigi, and Lina Khatib, “Conflict Economies in the Middle East and North Africa,” Chatham House, June 2019, 14, <https://chathamhouse.org/sites/default/files/2019-08-13-ConflictEconomies.pdf>. Authors’ interview with al-Salmani and al-Rawi, September 28, 2019.
- [13] Phil Williams, “Criminals, Militias and Insurgents: Organized Crimes in Iraq,” *Strategic Studies Institute*, June 2009, 25–26. https://www.globalsecurity.org/jhtml/jframe.html#https://www.globalsecurity.org/military/library/report/2009/ssi_williams.pdf||Criminals,%20Militias,%20and%20Insurgents:%20Organized%20Crime%20in%20Iraq.
- [۱۴] مصاحبه نویسنده با السلمانی و الراوی از اعضای شورای محلی القائم
- [15] Kheder Khaddour, “Much More Than a Border,” *Diwan* (blog), Carnegie Endowment for International Peace, September 2, 2019, <https://carnegieendowment.org/publications/?fa=79743>.
- [۱۶] مصاحبه نویسنده با هشام الهاشمی؛ کارشناس گروه‌های جهادگرا در عراق

[۱۷] مصاحبه نویسنده با شیخ حکمت سلیمان

[18] Matthew Levitt, “Foreign Fighters and Their Economic Impact: A Case Study of Syria and al-Qaeda in Iraq (AQI),” *Perspectives on Terrorism* 3, no. 3 (September 2009): 14–24

[19] Ghaith Abdul-Ahad, “From Here to Eternity,” *Guardian*, June 8, 2005, www.theguardian.com/world/2005/jun/08/iraq-al-qaida

[20] “Qasf Amirki ala Bukamal al-Suriyya Yuqa 8 Qatla” [U.S. bombing of Syria’s Bukamal kills 8], *Al-Riyadh*, October 27, 2008, <http://www.alriyadh.com/383560>.

[21] William Knarr, “Al-Sahawa: An Awakening in Al Qaim,” *CTX Journal* 3, no. 2 (2013): 5–30

[22] Ahmed Juma, “Hikayat al-Dam wal-kharab bi surya wal iraq [Tales of blood and ruins in Syria and Iraq], *Ayawm al-Sabi*, June 12, 2018, <https://www.youm7.com/story/2018/6/12>

[23] “Syrian Branch of al Qaeda Vows Loyalty to Iraq’s ISIS,” *France 24*, June 25, 2014, <https://www.france24.com/en/20140625-syrian-branch-qaeda-vows-loyalty-iraq-isis-kamal>.

[24] Sarah Pursley, “Lines Drawn on an Empty Map: Iraq’s Borders and the Legend of the Artificial State,” *Jadaliyya*, June 2, 2015, <https://www.jadaliyya.com/Details/32140>; and David Siddhartha Patel, “Repartitioning the Sykes-Picot Middle East? Debunking Three Myths,” *Brandeis University Crown Center for Middle East Studies, Middle East Brief* no. 103, November 2016, <https://www.brandeis.edu/crown/publications/middle-east-briefs/pdfs/101-200/meb103.pdf>

[25] گفتگوی نویسنده با ساکنان نقاط مختلف در القائم

[26] مصاحبه تلفنی نویسنده با یکی از اعضای شورای محلی القائم

[27] Off-the-record workshop on the Iraqi-Syrian border organized by the Carnegie Middle East Center and the Konrad-Adenauer-Stiftung, Beirut, June 11–12, 2019.

[28] گفتگو نویسنده با ساکنان القائم

[29] مصاحبه نویسنده با یکی از دانشگاهیان القائم

[30] گفتگو نویسنده با ساکنان القائم

[31] گفتگو نویسنده با ساکنان بوکمال

[32] همان

[33] مصاحبه نویسنده با شهردار القائم

[34] <https://www.youtube.com/watch?v=IgL4vdpGuZk>.

[35] مصاحبه نویسنده با دو تن از اعضای شورای محلی القائم

[36] Nicholas J. Schlosser, “The Battle for Al-Qaim and the Campaign to Secure the Western

Euphrates River Valley,” in U.S. Marines in Battle: September 2005–March 2006,
<https://www.usmcu.edu/Portals/218/AL-QAIM%20LO.pdf>

[۳۷] مصاحبه نویسنده با کربولی

[38] Michael Knights, “Iran’s Expanding Militia Army in Iraq: The New Special Groups,” CTC Sentinel 12, no. 7 (2019): 1–9; Ziad Awad, “Iran fi Deir Ezzor: Al-Strateggiyya wal Tamaddud wa Furas al-Taghalghul [Iran in Deir Ezzor: Strategy, expansion, and opportunities for infiltration], Middle East Directions, October 7, 2019, <https://medirections.com/index.php/2019-05-07-15-50-27/wartime/2019-10-07-07-56-40>.

[39] Ziad Awad, “Deir Al-Zor After Islamic State: Between Kurdish Self Administration and a Return of the Syrian Regime,” European University Institute, 2018, https://cadmus.eui.eu/bitstream/handle/1814/52824/RPR_2018_02_Eng.pdf?sequence=4&isAllowed=y.

[۴۰] مصاحبه نویسنده با دو تن از اعضای شورای محلی قائم

[۴۱] همان

[42] Off-the-record workshop, Carnegie Middle East Center and Konrad-Adenauer-Stiftung, June 11–12, 2019

[۴۳] مصاحبه نویسنده

[۴۴] مصاحبه نویسنده

[۴۵] گفتگوی نویسنده با ساکنان قائم

[۴۶] همان

[۴۷] همان

[۴۸] همان

[۴۹] مصاحبه نویسنده با دو تن از اعضای شورای محلی قائم

[50] Awad, “Iran fi Deir Ezzor.”

[۵۱] مصاحبه نویسنده با یک سرباز ارتش سوریه و نقل از زبان یک شبه‌نظامی توسط آن سرباز

[۵۲] گردآوری اطلاعات توسط دستیار تحقیقاتی همین گزارش

[53] Off-the-record workshop on borders organized by the Carnegie Middle East Center and the al-Nahrain

Center for Strategic Studies, Baghdad, February 6, 2019.

[۵۴] همان

[۵۵] مصاحبه نویسنده با عضو شورای محلی قائم

[۵۶] مصاحبه نویسنده با الهاشمی و اعضای سازمان اطلاعات ملی عراق

[57] “US Needs Military Base in Iraq to ‘Watch Iran,’ Trump Says,” Al-Jazeera, February 4, 2019, <https://www.aljazeera.com/news/2019/02/american-military-iraq-needed-watch-iran-trump190203200800492.html>.

[58] Safa Khalaf, “Gharb al-Iraq: Siraa al-Quwwa al-Kubra ala al-Turuq al-Jadida fil Sharq al-Awsat: Al-Jiz’ al-Awwal” [Western Iraq: Great power competition over the new roads in Iraq: Part one],

February 1, 2019, <https://www.jadaliyya.com/Details/38354>.

[59] Louisa Loveluck, “US-led Coalition to Withdraw Hundreds of Troops From Smaller Bases in Iraq,” Washington Post, March 16, 2020, https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/us-led-coalition-to-withdraw-hundreds-of-troops-from-smaller-bases-in-iraq/2020/03/16/4af2b69e-6783-11ea-b199-3a9799c54512_story.html.

[60] “Majlis al-Anbar: Al-Quwwat al-Amerikiyya Tatajawaz Kul al-Aaraf al-Qanuniyya wa Lam Tubalighuna Bibina’ Qaidat al-Rummanah al-Jadidah” [Anbar Governorate Council: American forces violate the law and did not inform us about the establishment of a new base in Rummana],” Sumer News

[61] Shelly Kittelson, “Iraq’s Qaim Border Open to Nonlocal PMU Fighting in Syria,” Al-Monitor, April 25, 2019, <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2019/04/iraq-anbar-qaim-pmu-shiite-militia-iransyria.html>.

[62] “PMF Accuses Israel of Deadly Drone Attack,” Al-Sharq al-Awsat, August 26, 2019, <https://aawsat.com/english/home/article/1872711/pmf-accuses-israel-deadly-drone-attack>.

[63] “Abu Mahdi al-Muhandis Yabath Risala ila America: Lan Naskut ala Istihdaf Maqar al-Hashd” [Abu

Mahdi Al-Muhandis Sends a Message to America: We Will Not Stay Silent After the Targeting of the

PMF Location], Shafaq News, August 26, 2019

[64] “Kataib Hezbollah: Iraq Condemns US Attacks on Iran-backed Militia,” BBC News, December 30, 2019, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-50951742>.

[65] Julian E. Barnes, “U.S. Launches Airstrikes on Iranian-Backed Forces in Iraq and Syria,” New York Times, December 29, 2019, <https://www.nytimes.com/2019/12/29/world/middleeast/us-airstrikes-iran-iraqsyria.html>.

[66] Courtney Kube and Doha Madani, “Iran Retaliates for Gen. Soleimani’s Killing by Firing Missiles at U.S. Forces in Iraq,” NBC News, January 8, 2020, <https://www.nbcnews.com/news/world/u-s-base-iraqcomes-under-attack-missiles-iran->

claims-n1112171.

[67] Off-the-record workshop, Carnegie Middle East Center and the al-Nahrain Center for Strategic Studies, February 6, 2019; and author (Hasan) interview with a former official who preferred to remain anonymous, Baghdad, September 30, 2019.

[68] Khalaf, “Gharb al-Iraq.”

[۶۹] همان

[70] Cartar Malkasian, *Illusions of Victory: The Anbar Awakening and the Rise of the Islamic State* (Oxford: Oxford University Press, 2017), 65.

[۷۱] مصاحبه نویسنده با یک منبع آگاه

[۷۲] همان

[73] “Iraqi Politicians Demand Cancellation of Contracts with ‘Blackwater-linked’ Security Firm Based in Abu Dhabi,” *The New Arab*, July 4, 2017, <https://www.alaraby.co.uk/english/news/2017/7/4/iraqi-lawmakersdemand-inquiry-into-blackwater-linked-security-firm>.

[74] Off-the-record workshop, Carnegie Middle East Center and the al-Nahrain Center for Strategic Studies, February 6, 2019

[75] “US Deploys Surveillance Balloons over Iraq’s Anbar,” *The New Arab*, September 22, 2015, <https://www.alaraby.co.uk/english/news/2015/9/22/us-deploys-surveillance-balloons-over-iraqs-anbar>

[76] “Kataib Hezbollah: Khuta Amerikiyya Jadida lil Saytara ala al-Hudud al-Iraqiyya al-Suriyya, wa Taqsim al-Bilad” [Kataib Hezbollah: A new U.S. plan to control the Iraqi-Syrian border and divide the country], *Al-Ansar al-Ikhbari*, March 31, 2017, <http://www.alansaar.net/2017/03/31/53083/>.

[77] Khalaf, “Gharb al-Iraq.”

[78] Authors’ interview with Mohammed al-Karbuli, a Sunni lawmaker from Anbar, Baghdad, September 28, 2019

[79] Syrian Minister of Interior Arrives in Baghdad,” *Al-Manar*, February 6, 2018, <http://almanar.com.lb/3327861>

[۸۰] مصاحبه نویسنده با کربولی

[81] Off-the-record workshop, Carnegie Middle East Center and Al-Nahrain Center for Strategic Studies, February 6, 2019; and author (Hasan) interview with an anonymous former official in Anbar, Beirut, July 13, 2019

[82] “Lubnan Tusawwib Nahwa Maabar Bukamal: Suq al-Iraq Wasaa wa Maftuh” [Lebanon targets the Bukamal crossing: The Iraqi market is large and open], *Nas*, October 14, 2019, <https://www.nasnews.com/الع-سوق-کامل-البو-معر-نحو-تصوب-لبنان>; see also “Hassan Nasrallah

wa Franjiyeh Yuakidan Ahamiyat Iadat Fateh Maabar Bukamal al-Hududi Baina al-Iraq wa Suriya Lisadirat Libnan” [Hassan Nasrallah and [Suleiman] Franjiyeh emphasize the significance of the opening of Bukamal crossing between Iraq and Syria for Lebanese exports], RT, October 10, 2019, https://arabic.rt.com/middle_east/1051728---الله/#/حسن-نصر وفرنحية-إعادة-افتتاح-البوكامل-هام-للوصول-إبل-السوق-العراقية

[۸۳] مصاحبه نویسنده

[84] Television interview with Kazim al-Aqabi, the former director of the Border Crossings Administration in Iraq. See “Television interview with Kazim al-Aqabi,” YouTube video, 52:18, posted by Nabel Jasim, August 22, 2019, accessed March 27, 2020, <https://www.youtube.com/watch?v=HnpzUjvFEmc>.

[85] Television interview with Aqabi, August 22, 2019

[86] “Al-Iraq: Bara’at Qaid Amaliyyat al-Anbar min Tihmet al-Takhabur Maa al-CIA” [Iraq: The head of Anbar operations is declared innocent of having contacted the CIA], Anadolu Agency, August 3, 2019

[87] Mustapha al-Anbari, “Majlis al-Anbar: La Salahiyat Lana Bikhtiyar Qa’id al-Amaliyyat al-Jadid . . . al-Falahi Nuqila li Mawqi Ghayr Faal Askariyyan” [The Anbar Council: We have no power to choose the new operations commander and Falahi has been moved to a militarily inactive position], Basnews, July 28, 2019, <http://www.basnews.com/index.php/ar/news/iraq/536325>.

[88] “Aatiradh Safqat al-Nukhaib Tarmi qa’id Amaliyyat al-Anbar Wasat Lijan al-Tahqiq” [The objection to the Nukhaib deal places the head of Anbar operations before an investigative committee], Al-Mada, July 8, 2019. <https://almadapaper.net/view.php?cat=219880>.

[89] Ali Ismail al-Juboury and Mohammed Abed Mazeel Thani, “Silurian Gas-Rich ‘Hot Shale’ from Akkas Gas Field, Western Iraq: Geological Importance and Updated Hydrocarbon Potential and Reservoir Development Estimations of the Field,” in Ali Al-Juboury, ed., Shale Gas: New Aspects and Technologies, IntechOpen, DOI, <https://www.intechopen.com/books/shalegas-new-aspects-and-technologies/silurian-gas-rich-hot-shale-from-akkas-gas-field-western-iraq-geologicalimportance-and-updated-hydr>.

[90] Mohammed al-Karbuli, a leader in the coalition led by Mohammed al-Halbousi, the speaker of parliament and another former governor of Anbar, did not seem enthusiastic about it and expected that this demand would not be met. Authors’ interview with Karbuli, September 28, 2019.

[91] Sabah al-Mahallawi is the sheikh of the Bou Mahal tribe, not to be confused with Rabah al-Mahallawi, the head of the Hamza Brigade. Author (Hasan) interview with Sabah al-Mahallawi, the sheikh of the Bou Mahal tribe, Beirut, June 13, 2019.